

کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان
اخبار داخلی - شماره‌ی ۱۳ (دوره دهم)
اسفند ماه ۲۵۳۶



نوروزتان پیروز باد!

هفته‌ی جهانی کتاب کودک را هرچه

باشکوه‌تر برگزار کنیم!

فرا رسیدن سال نو و نوروز باستانی را به کلیه همکاران و اعضای کتابخانه‌های کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان تبریک می‌گویم و برای همگی شادی و سلامت و کامیابی آرزو می‌کنم.

لیلی امیر ارجمند

رنکین و شادمانه‌ی روزگار کردگی خود آنهاست:
هیاهوی شور و سرور چهارشنبه سوری‌ها، آتش
بپا کردن، ترقه در کردن، قاشق‌زنی ...
و برای تحویل سال، بی‌تابی کردن، بی‌تابی برای
پوشیدن لباس نو، عیدی گرفتن، شیرینی خوردن و
بازی کردن ...

این یادگارها است که نوروز را در چشم، عزیزتر
می‌کند. و راستی چه عیدی‌یی گرامی‌تر از اینکه هر سال
بچه‌ها کتابخانه‌های بیشتر داشته باشند، کتابهای بهتر
و بیشتر بخوانند، زیباتر و رنگین‌تر نقاشی کنند،
بنویسند، نمایش بدهند، فیلم بسازند، آهنگسازی
کنند، بخوانند و بنوازند و رهبری کنند... و این عیدی
عمه آنها، هم هست که با عشق و صمیمیت برای بچه‌ها
کار می‌کنند.

کتابخانه‌ارانی که شادی بخش‌ترین لحظه‌های
زندگی‌شان را در کنار کودکان و برای بهروزی آنها
می‌گذرانند، کتاب‌سازانی که برای کودکان روستایی،
و عشایر کوه‌نشین، پیام‌آوران اندیشه‌اند...
و همه کارگزاران فرهنگی ...

باران، همکاران نوروزتان سرشار مهر و شادی باد
کودکان، نوجوانان فردای زیباتر و بهتر از آن شما باد.

هرسال در آستانه‌ی نوروز، کتابداران کانون،
کتابخانه‌ها را با رنگ و نور تزیین می‌کنند و سفره‌ی
هفت‌سین می‌گسترند، و کودکان و نوجوانان، با چه
شور و شوقی کتابداران را در همه‌ی کارها یاری می‌کنند
تا عید به کتابخانه بیاید، که خانه‌ی دوم آنهاست - کتابخانه
برای بچه‌ی دنیای دیگری است - دنیای سرشار از خیال -
در کتابخانه است که بچه‌ها برای زندگی‌شان معنایی
جست‌وجو می‌کنند.

و هر سال، همچنین، گروهی از خانواده‌ی کانون - که
در تهرانند - در کتابخانه‌ای آراسته به شیرینی و گل و
سبزه و سفره‌ی هفت‌سین، گرد هم می‌آیند: به دیدار
نوروزی: با تبریک گفتن‌ها، یاد کردن از همکاران و یارانی
که در شهرهای دیگر، و روستاها در راه تعالی فکر و
فرهنگ بچه‌ها در تلاشند، و امیدواری به آینده‌ای بهتر.
دیدار نوروزی همکاران کانون در کتابخانه، به معنای
آنست که کتابخانه، خانه‌ی دوم همه‌ی آنهاست هم هست که
هدف‌شان از کار، غنا بخشیدن به زندگی معنوی بچه‌هاست.
«نوروز» را بچه‌ها عید خودشان می‌دانند، و
بزرگترها هم دوست دارند که بیشترین شادی‌های نوروز
برای بچه‌ها باشد.

که شور و شادی عید بچه‌ها، یادآور نوروزهای

نمایشگاه آثار اعضای کتابخانه‌های کانون در بلغارستان

اسفندماه جاری نیز طبقات مختلف کشور بلغارستان
به ویژه کودکان و نوجوانان بلغاری از آن بازدید کردند.
تشکیل این نمایشگاه و آثار ارائه شده در آن مورد
توجه خاص شبکه‌های رسانه‌های جمعی کشور بلغارستان
و مردم آن کشور قرار گرفت و ضمن نمایش فیلمهای
خبری در شبکه‌ی رادیو تلویزیون صوفیا، در این باره
مقالات متعددی نیز در جراید کشور بلغارستان درج شد.
فیلمهای تهیه شده در امور سینمایی کانون پرورش
فکری کودکان و نوجوانان نیز بزودی جهت آشنائی
بیشتر کودکان و نوجوانان بلغاری با فرهنگ ایران در
صوفیا به نمایش گذاشته خواهد شد.

در قالب برنامه‌های مربوط به آشنائی کودکان و
نوجوانان ملل دیگر با زمینه‌های فرهنگی کودکان و
نوجوانان ایران در تاریخ ۲۵/۱۱/۳۶ نمایشگاهی از
آثار نقاشی و کار دست‌ساز (مجسمه سازی - سفال -
سرامیک) اعضاء مراکز فرهنگی کانون پرورش فکری
کودکان و نوجوانان در سالن جدید کمیته (وزارت)
فرهنگ بلغارستان در صوفیا تشکیل گردید و
با حضور عده‌ای از مقامات دولتی بلغارستان
و موسسات آموزشی آن کشور و همچنین
سفیر شاهنشاه آریامهر در صوفیا و مقامات
سفارت شاهنشاهی در آن کشور افتتاح شد و تا یازدهم

پیام روز جهانی کتاب کودک

کالین تیل، که پیام روز جهانی کتاب کودک سال ۳۷ را از او می‌خوانید یکی از برجسته‌ترین و محبوبترین نویسندگان کتابهای کودکان در استرالیا است. او به عنوان متخصص تعلیم و تربیت در استرالیا، و خارج از آن، شناخته شده است و هم‌اکنون رئیس‌دانشسرای «واتل پارک» در استرالیای جنوبی است. او در زمینه‌های مختلف دست به قلم برده است و برنده‌ی جوایز بسیاری برای نثر و شعر و داستانهای کوتاه زیبایش بوده است.

پسر توفان، مشهورترین نوشته‌ی این آفریننده است که تاکنون بارها در استرالیا، و دیگر کشورهای جهان به چاپ رسیده است. این نوشته، داستان موثر و زیبایی است از پسرک تنهایی که بچه پلیکان، مرغ سقا، بیماری را به فرزندی می‌پذیرد و از مرگ او، همچون مرگ یک عزیز، اندوهگین می‌شود.

در سال ۱۹۷۶ براساس این کتاب توسط «هنری سافرن» فیلم زیبایی ساخته شد که در دوازدهمین فستیوال بین‌المللی فیلمهای کودکان و نوجوانان، تهران آبان ۳۶، به نمایش در آمد و جوایز وزارت آموزش و پرورش، انجمن ملی حمایت کودکان و فیلمخانه‌ی ملی ایران را در این رویداد جهانی بخود اختصاص داد. این کتاب، یکی از انتشارات کانون در سال ۳۶ است. کالین تیل در سال ۱۹۲۰ در «ادوندا» واقع در استرالیای جنوبی متولد شده است.

کتاب، دنیایی از زندگی

«دختر و پسر کوچکی در مزرعه‌ای در جنوب استرالیا زندگی می‌کردند. زمین در خردادماه نمور و شاداب، باساقه‌های جوان گندم سبز بود و در دیمه‌زیر علفهای خشک داغ می‌درخشید.

خانه‌ی مزرعه از سنگ ساخته شده بود. ایوانی دورادور آن را احاطه کرده بود. آشپزخانه بزرگی داشت و سردابش پر از انواع گوشت و تخم مرغ و خامه و مربا و خیارشور بود. در آنجا نه برق بود، نه رادیو، نه تلویزیون و نه یخچال. روی بخاری آشپزخانه یک طبقه دراز کار گذاشته شده بود. یک ساعت گرد، که پاندول مسخره‌ای از وسط آن آویزان بود، درست روی لبه‌ی آن قرار داشت. این ساعت، آدم را یاد یکی از متله‌های معروف می‌انداخت. علاوه بر ساعت، ردیف نامنظمی از کتابهای مختلف نیز روی آن طبقه قرار داشت. کتاب مقدس جلد سیاهی به سنگینی آجر و انواع داستانهای مذهبی، باعکسهای رنگی از مسیح و ابراهیم و کودکی موسی در سبد. کتابهای مصور دیگری هم بودند. همینطور کتابهایی درباره‌ی باغبانی و بهداشت و کمکهای اولیه به انسانها و حیوانات. کتابهایی که درباره نیش زدن مار و انواع سمها و تب شیر و سمهای شکسته و نفخ معده صحبت می‌کردند. کتابهای قصه هم فراوان بودند، کتابهایی درباره‌ی اژدها و چوپان و حیوانات وحشی. شبها پسر و دختر و پدر و مادرشان در نور چراغ نفتی این کتابها را بارها و بارها می‌خواندند. آنقدر این کتابها را خوانده بودند که بیشتر آنها را از بر می‌دانستند.

باغچه‌ی مزرعه جای خوشی بود. خوکها با دم حلقه‌ایشان و بوقلمون مغرور، که مانند کشتی به آرامی حرکت می‌کرد، و غازها با گردنهایی شبیه لوله‌های لاستیکی در آنجا می‌گشتند.

دختر، اسب کوچک قشنگی داشت که گویی آفتاب در لابلا‌ی پوست طلایش لانه کرده بود.

ولی یک روز همه چیز در یک ساعت بهم ریخت. باد شمالی سختی وزیدن گرفت. آتش در تپه‌های همجوار شروع شد و چون سیل سرخی همه‌ی جلگه‌ها را فرا گرفت و آبگیرها و خانه‌های چوبی و مزرعه را بلعید. درختها چون برجهایی از آتش شدند، حیوانات در طویله‌ها و آغلها سوختند و جان سپردند. حتی اسب کوچولو هم مرد. صاحب مزرعه و خانواده‌اش ناچار به آب انبار پناه بردند تا زنده بمانند و وقتی که به بیرون خزیدند چیزی دور و بر آنها نبود جز نیمسوخته‌های قرمز و خاکستر سیاه.

بچه‌ها محکم به دست پدرشان چسبیده بودند. مادرشان آرام می‌گریست درحالی که با دستها صورتش را پوشانده بود و شانهایش تکان می‌خورد، می‌گفت: همه چیز از بین رفت همه چیز، حتی کتابها، حتی کتاب مقدس.

پدر آرام گفت: ما دوباره می‌سازیم. یک بار این کار را کردیم بار دیگر هم می‌توانیم. این بار بچه‌ها هم کمک خواهند کرد.

مادر گفت: تو نمی‌توانی مردگان را به زندگی باز گردانی. نمی‌توان کتابهای سوخته را خواند. معجزه‌ای باید رخ دهد.

پدر جواب داد: در جهان معجزه‌ها رخ می‌دهند. وقتی که باران ببارد باز دیگر سبزه‌ها خواهند رویید، و برگهای سبز چون شمع، بر تنه‌ی سیاه درختان خواهند درخشید؛ و از خاکسترها کتابها بیرون خواهند آمد.

مزرعه‌دار، حق داشت. مردم دسته‌دسته از جاهای دور برای کمک به آنجا روی آوردند. آنها خانه را از نو ساختند. عده‌ای الوار و میخ و چکش آوردند. بعضی‌ها یک گاو یا یک خوک یا یک مرغ برای مزرعه آوردند. بعضی‌ها صندلی آوردند و دیگران لحاف و پتو و ملافه و دسته‌ای هم بشقاب و سطل. کتاب هم آوردند - کتابهای مقدس و کتابهای داستان. چیزی نگذشت که دختر و پسر، بیش از گذشته کتاب داشتند.

این واقعه را آنها هرگز از یاد نبردند. آتش‌سوزی، فرار و بازسازی مزرعه. حتی امروز گرچه از این اتفاق سالها می‌گذرد، آن را به خوبی بیاد دارند. آنها حتی وقایع را یادداشت کرده‌اند. در نتیجه، داستان کتابهای آنها در کتابی حفظ شده است، کتابی که مردم دیگر هم می‌توانند بخوانند، بفهمند و در تخیل آن سهیم شوند.

زیرا دنیا، تمامی دنیا، برای همیشه در کتابها هست. چیزهایی را که ما هرگز نخواهیم دید، می‌توانیم در کتابها ببینیم. از لابلا‌ی صفحه‌های کتاب رودها طغیان می‌کنند و ببرا می‌جهند. از صفحه ۲۵ آتش‌فشانی منفجر می‌شود و ستاره‌ای بر صفحه ۳۶ می‌افتد و هواپیماهای غول‌آسا از صفحه ۹۲ برمی‌خیزند. ممکن است بوران در شب پشت در خانه‌مان غوغا کند ولی ما به کمک کتاب به پیاده‌روی در آفتاب

خواهیم رفت.

شکوه مندی کتابها در واقعیت جهان آنها نیست. بلکه در افسون ذهن است. در تمام چیزهایی است که کمیاب و سحرآمیز هستند. در کتاب می‌توانیم از سیبهای طلایی بچشیم و لوبیاهایی با ساقه‌های جادویی پرورش دهیم و به دیدن قصرهایی برویم که سر بر افلاک ساییده‌اند. ما می‌توانیم کوتوله‌ها و غولها و اجنه‌ی وحشتناکی را که از اعماق برمی‌آیند و موجودات عجیبی را که از آن سوی فضا آمده‌اند، ببینیم. ما می‌توانیم حتی چیزهایی را ببینیم که صدها سال پیش اتفاق افتاده‌اند یاد میلیونها سال دیگر خواهند آمد.

در کتاب، ما با مردم آشنا می‌شویم، مردمی از افریقا و آسیا، از گرینلند و گواتمالا، مردمی از صحراها و جنگلها، از کوهستانها و جلگه‌ها. با دخترها و پسرها، معلمان و پستچیها، باغبانها و نجارها و دلکچها، آشنا می‌شویم و به پدر بزرگهایی با چپقهای عجیب و غریب و ریش سفید سفید برمی‌خوریم. همه‌ی آنها صدها سال است که در کتابها زندگی می‌کنند. آنها واقعا، هرگز از میان نمی‌روند و این همان نکته‌ی اصلی درباره‌ی داستان آتش‌سوزی در مزرعه است.

زیرا نسخه‌هایی از کتابها را می‌توان دوباره پیدا کرد و از نو آنها را چاپ کرد و به این ترتیب است که کتابهای کهنه دوباره زنده می‌شوند و از زمانهای دور باز می‌آیند، درست مثل گیاهانی که در بهار در بیابانهای استرالیا می‌رویند، گیاهانی از دانه‌های سوخته و گرما. و چنین بود که خانه‌ی مزرعه، که به خاکستر نشسته بود، دوباره پسر از کتاب شده و چنین است که مردم جهان ذهن خود را باز می‌سازند.

هیچ چیز برای قرار گرفتن در کتاب، خیلی عجیب نیست. میلیونها چیز ساده‌ی زندگی در آنها مأوا گرفته‌اند، مانند نقشهای باد بر شنزارها و ابرهایی که بر فراز ستارگان می‌گذرند و قطره‌های بارانی که در خیابانها چون رقصندگان کوچک می‌چهند و مانند نقشهای کف دستانمان. چیزهای پیچیده نیز در آنها هستند، مانند موتورها و موشکها و شیمی معجزه‌آسا و بدن خود ما. در آنها به چیزهای غمگین برمی‌خوریم، مانند تنهایی و مرگ و خرابی و موجودات عجیب که اکنون برای همیشه از میان رفته‌اند. چیزهای شادی‌آور نیز در آنها هست مانند بچه‌گره‌هایی که بر پشت می‌غلتنند، کره‌اسبهایی که جفتک می‌اندازند و پرندگان که برای پرواز بال و پر می‌گشایند. چیزهای مسخره‌هم در کتابها فراوان است، مثل آدمهایی که دنبال کلاهشان می‌دوند، صندلی‌هایی که سرنگون می‌شوند، و دندانهای پدر بزرگ در کفش راحتی او می‌افتند و پنجه‌هایش را گاز می‌گیرند. کتابها چیزهای ترسناک هم دارند که قلب ما را می‌فشرند و اشک به چشمانمان می‌آورند.

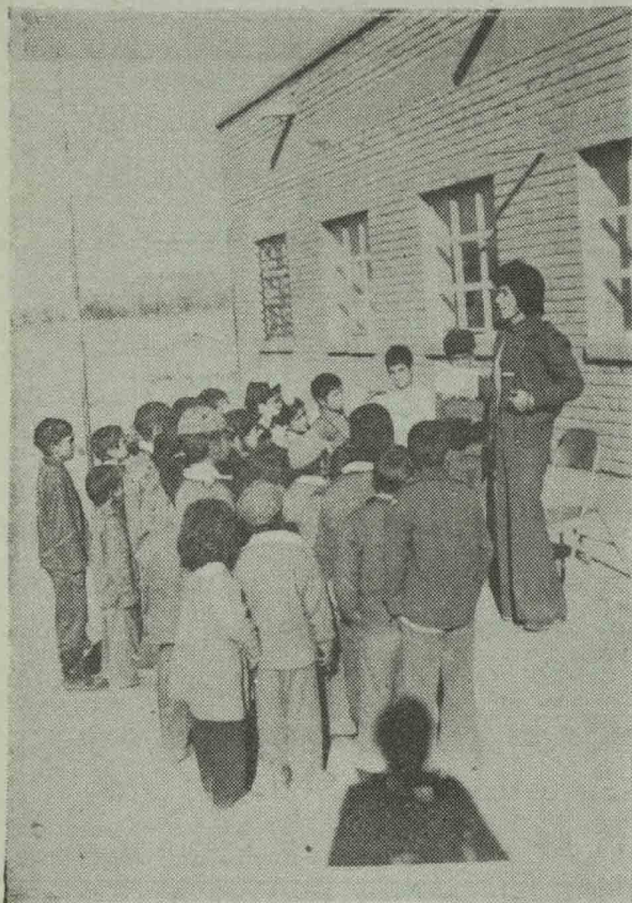
همه‌ی این جهان پهناور زشت و زیبا، شاد و غمگین، همه‌ی این جهان اعجاب‌انگیز، همه‌ی جهان زندگی در کتابها حفظ شده است.

به نظر شما امروز از کدام بخش آن باید شروع کنیم؟»

روی جلد این شماره کانون، اثر رابرت اینگین است به خاطر کتاب پسر توفان. ترجمه‌ی فارسی این کتاب به مناسبت روز جهانی کتاب کودک توسط سازمان انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان منتشر شد.

کتابخانه‌های منطقه‌ی يك

در سالی که گذشت



معرفی کتاب توسط کتابدار روستائی نیشابور در روستای مهدی آباد

فراغت خود را در آن گذرانده‌اند. هم اکنون پراکندگی و تعداد کتابخانه‌های تحت پوشش نواحی هفتگانه‌ی امور منطقه‌ی يك کتابخانه‌ها نمودی اینچنین دارد:

۱- ناحیه‌ی آذربایجان و زنجان:

۱۰ کتابخانه‌ی ثابت شهری در شهرهای تبریز (شماره ۱ و ۲)، زنجان، اردبیل، مشکین شهر، خوی، شاهپور، رضائیه (شماره ۱ و ۲)، مهاباد.

۲- ناحیه‌ی خراسان:

۱۳ کتابخانه در شهرهای مشهد (شماره ۱ و ۲)، قوچان، شیروان، بجنورد، بیرجند، گناباد، طبس، کاشمر، سبزوار، نیشابور، بهکده راجی، تربت حیدریه.

۳- ناحیه‌ی سیستان و بلوچستان:

۴ کتابخانه در شهرهای زاهدان، زابل، سراوان، ایرانشهر.

● سالی می‌گذرد و در آستانه‌ی سالی دیگر گام می‌زنیم، و بار دیگر به انتهای راه می‌رسیم. در این مرحله‌ی زمانی به آنجا رسیده‌ایم که دیگر مشکلات و تنگناهای ظاهری و اجرایی رفته رفته، از گستره‌ی فعالیت‌هایمان کنار می‌رود و باید که در سال جاری - سالی که در پیش روداریم - آماده‌ی بهره‌وری از کوشش‌های مثبتی باشیم که تاکنون ادامه داشته است.

● این نوشتار تلاشی است در نمایاندن کم‌وکیف فعالیت‌های کتابخانه‌های منطقه‌ی يك که نخست از کتابخانه‌های موجود و نوین‌یاد در سال گذشته سخن خواهد رفت و سپس به بررسی کلی عملکردها و فعالیت‌های گوناگون کتابخانه‌ها می‌پردازیم.

● بدون تردید، سخن گفتن از تلاش‌های مداوم همه‌ی یاران در این نوشتار چندان آسان نیست. رخدادهای کوچک و بزرگ کتابخانه‌هایمان - همه ماهه در کارنامه‌ی کانون بازتابی فشرده داشته است. حاصل نگرش عمیق‌تر کارهای کتابخانه‌ها را در پاسخنامه‌های ماهانه یادآور شدیم و از این دریچه، با همه‌ی یاران خود در شهرهای دور و نزدیک سخن گفتیم. آنچه در این نوشتار می‌خوانید بازتاب گوشه‌ها و گزیده‌هایی از کوشش‌های چشمگیر دست اندرکاران امور منطقه‌ی يك کتابخانه‌ها در سالی که گذشت، بحساب می‌آید.

● در این نوشتار ضمن تشریح چگونگی فعالیت‌های کمی و کیفی کتابخانه‌هایمان - در نواحی هفتگانه‌ی تحت پوشش امور کتابخانه‌های منطقه‌ی يك - از تعداد کتابخانه‌های موجود و کتابخانه‌هایی که در سال گذشته آغاز بکار کرده سخن خواهیم گفت، و در کنار نمایاندن فعالیت‌های کتابداران و مربیان هنری و همه‌ی دست‌اندرکاران فرهنگی، به بازتاب تلاش‌های مداوم کتابخانه‌هایمان می‌پردازیم:

کتابخانه‌های ثابت شهری:

● منطقه‌ی يك کتابخانه‌ها، ۸۴ کتابخانه‌ی ثابت شهری که بیشترین فعالیت‌های کتابخوانی و اجرای برنامه‌های فرهنگی در آنها شکل می‌گیرد، در شهرهای دور و نزدیک اعضاء بیشماری را به خود جلب نموده و بسیاری از کودکان و نوجوانان این مرز و بوم اوقات

در همدان (يك واحد)

در مشهد (دو واحد)

در زاهدان (يك واحد سينما سيار و يك واحد سيار

شهری)

در رشت (يك واحد)

● همچنين مقدمات کار دو واحد ديگر نيز فراهم گردیده است که در آستانه‌ی سال ۲۵۳۷ در شهرهای ساری و لاهیجان آغاز به کار خواهند کرد.

کتابخانه‌ی سيار روستایی:

پانزده واحد کتابخانه سيار روستایی در سطح ۹۳۱ روستا در سال ۲۵۳۶ توانستند ۴۹۲۲۹۶ جلد کتاب تازه و مطالعه نشده را جایگزین ۴۷۳۶۷۸ جلد کتابهای خوانده شده نمایند. تلاش همکاران فعال کتابخانه‌های روستائی بصورت کتابخوانی اعضا، نمایش فیلم یا فیلم استریپ، داستانسرایی برای آنها و معرفی کتاب و تشويق اعضا بخلق آثاری در حد سن و سال کودکان و نوجوانان روستائی جلوه‌گر شده است کتابداران روستائی در سطح منطقه يك توانستند ۷۹۶۱۷ نفر از روستازادگان را بصورت آزاد این نوع کتابخانه‌ها در آورند. تا حد امکان، تلاشها بتمامی بر محور کیفیت کار میگشت در حالیکه کمیت‌ها در حد معقول و نه دست و پاگیر اصالت عمل، نگهداشته میشد. هر واحد کتابخانه روستائی با در نظر گرفتن کلیه اوضاع و احوال فرهنگی و اقلیمی، شامل حداکثر ۷۰ واحد اقل ۵۰ روستا می‌باشد که ضوابط ویژه‌ای آنها را در يك شبکه منظم و از روی طرح مطالعه شده قبلی، کنار هم قرار میدهد. از ویژگیهای این کتابخانه‌ها، طبقه‌بندی زنجیری روستاها و دسته‌بندی خاص کتابها در جعبه‌های کتاب می‌باشد با این خصوصیت است که نوع و محتوی کتاب حتی المقدور در خور زندگی روستائی باشد ضمن اینکه آگاهی‌های بیرون از روستا نیز ملحوظ نظر باشد.

جا دارد از همکاریهای ارزنده آقایان کتابداران روستائی، بهرام خیراندیش، خسرو رشیدیان، احمد اندییل مقدم، احمد طوسی مقدم، عبدالحسین قبدیان، عزیزاله بلوچ‌ناگان قدردانی کنیم و تلاش خوبشان را در همتی که از خود نشان داده‌اند ارج گزار باشیم.

کتابخانه‌های «خانه فرهنگ روستایی»:

● در کنار کتابخانه‌های سيار روستایی، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در قالب يك برنامه‌ی همکاری مشترک با وزارت کشاورزی و امور روستاها، همکاری مشترک با وزارت کشاورزی و امور روستاها، به تاسیس ۵۵ کتابخانه (در سال ۲۵۳۵) همت گماشته است که در ادامه‌ی این همکاری، این واحدها در سال ۲۵۳۶ با موازین کانون منطبق شده‌اند و هم‌اکنون این واحدها در امور منطقه‌ی يك کتابخانه‌ها نمودی اینچنین



بازدید از نمایشگاه نقاشی در کتابخانه لاهیجان

۴- ناحیه‌ی غرب:

۱۲ کتابخانه در شهرهای کرمانشاه (شماره ۱ و ۲)، قصر شیرین، شاه‌آباد غرب، سنندج، ایلام، همدان، ملایر، بروجرد، خرم‌آباد، نهاوند.

۵- ناحیه‌ی کرمان و هرمزگان:

۲۱ کتابخانه در شهرهای کرمان (شماره ۱ و ۲)، ماهان، راین، گلباف، راور، بم، چترود، جویبار، زرنند، کوهنجان، شهداد، رابر، بافت، بردسیر، شهر بابک، جیرفت، سیرجان، رفسنجان، بندرعباس، انار.

۶- ناحیه‌ی گیلان:

۱۲ کتابخانه در شهرهای رشت، پهلوی، غازیان، آستارا، فومن، صومعه‌سرا، کوچصفهان، آستانه‌ی اشرفیه، لشت‌نشاء، لاهیجان، کتالم، رودبار.

۷- ناحیه‌ی مازندران و سمنان:

۱۲ کتابخانه در شهرهای ساری، آمل، بابل، شاهی، سنگسر، آلاشت، چالوس، شاه‌رود، دامغان، سمنان، گرگان، گنبد کاووس.

کتابخانه‌های سيار شهری:

● کتابخانه‌های سيار شهری که در گوشه و کنار شهرهای بزرگ و در سطح شهرک‌هایی که در جوار این شهرها قرار گرفته‌اند، علاوه بر کتابرسانی، در زمینه‌ی نمایش فیلم و فیلم‌استریپ و برنامه‌های داستانسرایی و تهیه‌ی نشریه‌های دیواری نیز در پاره‌ای از مدارس و مراکز رفاهی و فرهنگی حوزه‌ی فعالیت خود، تلاشهای مداومی دارند.

● در منطقه‌ی يك کتابخانه‌ها، هرکدام از این واحدهای سيار شهری دست‌کم به بیش از ۵۰ تا ۶۰ مدرسه و مراکز رفاهی کتاب می‌رسانند و بدین ترتیب امکان بهره‌وری کودکان و نوجوانانی را که به کتابخانه‌های ثابت شهری دسترسی ندارند، از فعالیتهای کانون فراهم می‌آورند.

● هم‌اکنون واحد کتابخانه‌ی سيار شهری در شهرهای مختلف نواحی هفتگانه فعالیت دارند:

در تبریز (دو واحد)

- درگیلان ۵ کتابخانه
- در مازندران ۵ کتابخانه
- در کرمانشاهان ۵ کتابخانه
- در کرمان ۵ کتابخانه
- در آذربایجان شرقی ۶ کتابخانه
- در خراسان ۵ کتابخانه
- در سیستان و بلوچستان ۵ کتابخانه

کتابخانه‌ی سیار راه آهن:

● ایجاد این کتابخانه با واگذاری يك واگن از سوی راه‌آهن دولتی ایران تهیه نقشه‌های اجرایی و تنظیم برنامه‌کار در زمستان سال جاری آغاز شده است. این واگن ضمن کتابرسانی، نمایش فیلم و فیلم استریپ، ارائه‌ی خدمات هنری و فروش کتاب و کاست در شهرهای مسیر برای مسافران نیز مورد استفاده قرار گرفته و مجهز به سالن مطالعه، نمایش فیلم و فیلم استریپ، تلویزیون و «ویدئوکاست» می‌باشد.

بازتاب چند رویداد فرهنگی در کتابخانه‌های منطقه‌ی يك:

● کتابخانه‌های منطقه يك در سال ۲۵۳۶ در کنار فعالیت‌های معمول خود شاهد چند رویداد فرهنگی نیز بود که فراتر از اجرای برنامه‌های متعارف (از قبیل داستان‌سرایی، نمایش فیلم، بحث کتاب، شطرنج، معرفی شخصیت، معرفی سرزمین و معرفی کتاب) در پربارکردن فعالیت‌های فرهنگی سهم عمده‌ای داشته است:

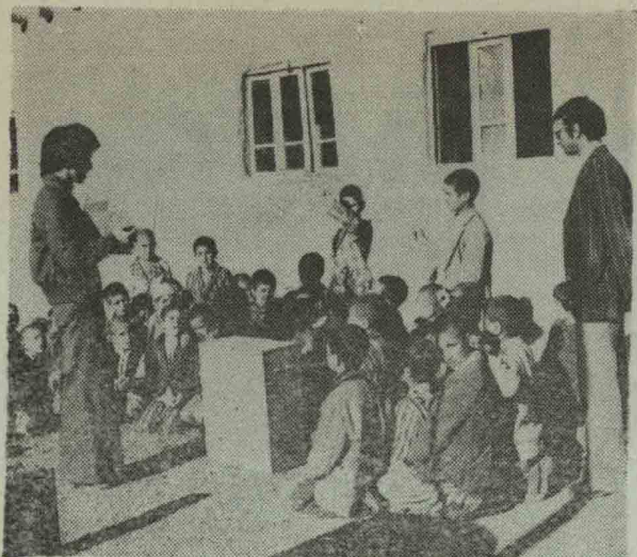
- روز جهانی (هفته‌ی) کتاب کودک در فروردین ماه ۲۵۳۶
- جشن حماسی طوس در تیرماه ۲۵۳۶
- بازدیدهای تابستانی اعضاء کتابخانه‌ها در تیر و مرداد ۲۵۳۶
- مسابقات تنیس روی میز در مردادماه ۲۵۳۶
- سمینار کتابداران و دست‌اندرکاران کتابخانه-های سیار شهری در مهرماه ۲۵۳۶
- هفته‌ی کتاب در آبانماه ۲۵۳۶
- جشنهای فرهنگ و هنر در آبانماه ۲۵۳۶

دیدارها و مراسم گشایش کتابخانه‌ها و رویدادهای دیگر:

● در سال ۲۵۳۶، در منطقه‌ی يك کتابخانه‌ها چند واحد تازه از کتابخانه‌های ثابت شهری در سطح شهرستانهای مختلف نواحی هفتگانه‌ی کشور گشایش یافت و در طول سال دیدارهایی نیز از کتابخانه‌ها بعمل آمده است که اینهم برای کارگزاران فرهنگی کتابخانه-های منطقه‌ی يك شوق‌انگیز و پرتیر بوده است:

۳۱ فروردین ۲۵۳۶

● بازدید علیاحضرت شهبانوی ایران از کتابخانه‌ی



معرفی کتاب در روستای فرخار نیشابور

کودک بندرعباس در ناحیه‌ی کرمان و هرمزگان.

۲۰ اردیبهشت ۲۵۳۶

● گشایش کتابخانه‌ی کودک ساری در پیشگاه علیاحضرت شهبانوی ایران، در ناحیه‌ی مازندران و سمنان:

۲۳ خرداد ۲۵۳۶

● دیدار علیاحضرت شهبانوی از کتابخانه‌های های رشت، لاهیجان و بندر پهلوی در ناحیه‌ی گیلان.

تیر ۲۵۳۶

● تشریف‌فرمایی شاهنشاه آریامهر به کتابخانه‌ی کودک شاهیپور.

۲۲ مهر ۲۵۳۶

● با چشم‌داشت به خجسته سالروز تولد شهبانوی ایران در کنار برنامه‌های ویژه در کتابخانه‌های منطقه‌ی يك، چند مرکز فرهنگی تازه نیز در شهرهای زیر گشایش یافت:

● کتابخانه‌ی گنبدکاووس در ناحیه‌ی مازندران و سمنان

- کتابخانه‌ی گرگان در ناحیه‌ی مازندران و سمنان
- کتابخانه‌ی سنگسر در ناحیه‌ی مازندران و سمنان
- توسعه‌ی کتابخانه‌ی سمنان در ناحیه‌ی مازندران و سمنان

● کتابخانه‌ی سمنان در ناحیه‌ی مازندران و سمنان

● کتابخانه‌ی شهداد در کرمان و هرمزگان

۲۴ مهر ۲۵۳۶

● گشایش دومین کتابخانه‌ی کودک شهر کرمان با حضور علیاحضرت شهبانوی ایران، آقای نلسون راکفلر و مقام مدیریت عامل کانون و چندتن از مقامات مملکتی.

۹ آبان ۲۵۳۶

● گشایش کتابخانه‌ی کودک کاشمر در ناحیه‌ی

● گشایش کتابخانه‌ی کودک نهاوند در ناحیه‌ی

غرب.

کتابخانه‌های در حال ساختمان و برنامه‌های

ساختمانی سال ۲۵۳۷ :

● به‌انگیزه‌ی گسترش کتابخانه‌ها، در امور منطقه‌ی يك، در ادامه‌ی برنامه‌ی توسعه، تجدید بنا و اقدام به گسترش فعالیت‌های کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، در شهرهای زیر مراکز تازه‌ای ایجاد خواهد شد.

۱- در حال ساختمان:

خوی (ساختمان جدید) ماکو - میانه - مرند - مراغه - تبریز (شماره ۳) - اهر - ابهر - سراب - گلپایگان - لنگرود - رودسر - آستانه‌ی اشرفیه (ساختمان جدید) - کوچصفهان (ساختمان جدید) - فومن (ساختمان جدید) - همدان (شماره ۲) - بندرشاه - درود - اسفراین - سبزوار (شماره ۲) - دره‌گز - مشهد (شماره ۳) - فردوس - چابهار - سقز - بانه (ساختمان جدید) .

۲- برنامه‌های سال ۲۵۳۷ :

بیجار - سنندج (شماره ۲) - سنقر - نوشهر - بهمشهر - بابل (شماره ۲) - تربت جام - سرخس - مشهد (شماره ۴) - صومعه‌سرا (تجدید بنا) - رودبار (تجدید بنا) - هشمتیر .

برگزاری دوازدهمین فستیوال بین‌المللی فیلمهای کودکان و نوجوانان در منطقه‌ی يك:

● در مرکز نواحی هفتگانه‌ی امور منطقه‌ی يك کتابخانه‌ها، همکاری و تلاش چشمگیری در جهت توزیع فیلمها و برنامه‌ریزیهای لازم در نمایش فیلمهای دوازدهمین فستیوال، صورت گرفته است که در شهرهای مختلف، نمایش فیلمهای برگزیده به تناوب بین ۳ تا ۶ روز، انجام پذیرفته است و در سانسهای ویژه کودکان و سالنهای عمومی فیلمهای متنوعی به نمایش درآمده است:

در ناحیه‌ی آذربایجان و زنجان:

رضائیه ۲۰۵۹۷ نفر
تبریز ۲۳۸۸۹ نفر
میانه ۳۷۰۹ نفر
زنجان ۵۶۱۰ نفر

در ناحیه‌ی گیلان:

بندر پهلوی ۸۴۴۵ نفر
لاهیجان ۶۳۰۷ نفر
رشت ۲۷۴۰۸ نفر
لنگرود ۹۴۱۵ نفر
فومن ۳۱۴۱ نفر
صومعه‌سرا ۱۹۳۹ نفر

در ناحیه‌ی غرب:

خرم‌آباد ۲۹۷۷ نفر
کرمانشاه ۳۹۹۰۵ نفر
سنندج ۱۲۴۹ نفر
همدان ۱۰۳۶۱ نفر
ملایر ۴۶۵۸ نفر

در ناحیه‌ی مازندران:

ساری ۱۵۷۸۳ نفر
گرگان ۱۷۷۲۴ نفر
چالوس ۸۶۶۰ نفر
بابل ۱۲۹۱۸ نفر

در ناحیه‌ی کرمان و هرمزگان:

کرمان ۱۹۹۲۰ نفر
رفسنجان ۷۷۸۰ نفر
بم ۴۱۰۰ نفر

در ناحیه‌ی خراسان:

مشهد ۲۴۷۷۹ نفر
تربت حیدریه ۴۷۰۷ نفر
گناباد ۱۸۲۱ نفر
بیرجند ۶۰۹۲ نفر

در ناحیه‌ی سیستان و بلوچستان:

زاهدان ۱۹۲۴۳ نفر
زابل ۵۹۹۳ نفر
خاش ۲۱۲۴ نفر
سراوان ۱۲۸۳ نفر
چابهار ۱۱۸۶ نفر

فعالیت‌های واحد مرکزی امور منطقه‌ی يك کتابخانه‌ها:

● چنانچه گفته شد امور منطقه‌ی يك کتابخانه‌ها برای انجام وظایف خود و تحقق روزافزون عدم تمرکز امور، وظایف اجرائی خود را به ۷ ناحیه محول کرده است و به جهت حفظ یگانگی و هماهنگی به برنامه‌ریزی و نظارت و ارزشیابی‌های لازم می‌پردازد:

الف - برنامه‌ریزی در جهت گسترش کتابخانه‌ها، هماهنگی برنامه‌های اجرایی و فرهنگی، برگزاری گردهمایی‌هایی در سطوح مختلف سرپرستان، کتابداران (در مرکز نواحی) و ... و ایجاد هماهنگی میان فعالیت واحدهای مختلف مرکزی.

ب - نظارت و ارزشیابی کارهای فرهنگی و اجرایی از طریق کارشناسان فرهنگی و واحد اداری - مالی امور منطقه يك کتابخانه‌ها.

برنامه‌ی نقد کتاب در کتابخانه‌های منطقه‌ی يك:

● در سال ۲۵۳۶ در ادامه‌ی برنامه‌ی مطالعه و نقد کتاب، از کتابداران نواحی مختلف نمونه‌های جالبی از نقد کتابهایی که برایمان ارسال داشته‌اند، در مرکز امور منطقه‌ی يك کتابخانه‌ها بررسی، انتخاب و در کارنامه کانون به چاپ نمونه‌های برگزیده مبادرت **بقیه در صفحه ۱۱**

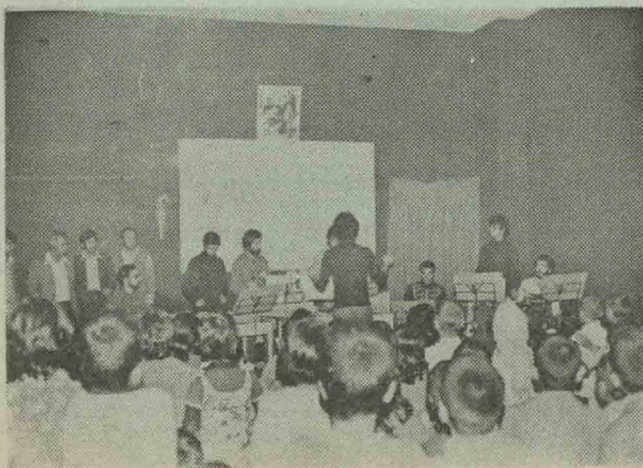
گزارش کار ارکستر مریبان مرکز آموزش موسیقی



بازدید از طاق بستان کرمانشاه

کتابخانه‌های کانون داشته باشیم و هدف کانون را که از تشکیل این کلاسها برای کودکان و اولیاء آنها تشریح نمائیم و کمبودها و امکانات را از نزدیک ببینیم. صورت امکان از اعضاء شهرهای مجاور دعوت بعمل آید.

اولین سفر این ارکستر به شهر رشت بود در

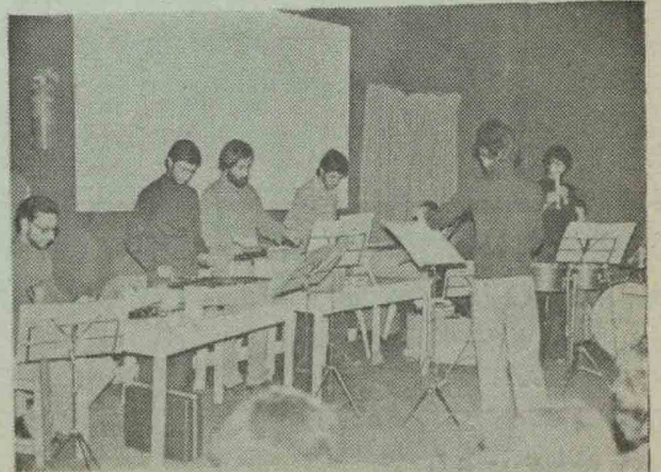


کنسرت در کرمانشاه

مرکز آموزش موسیقی بمنظور آگاهی و جلب اعضاء کتابخانه‌ها به کلاسهای موسیقی و هماهنگی در نحوه کیفیت آموزشی این هنر در کلیه کتابخانه‌ها و اجرای قطعات برای سازهای ارف و ایرانی به کودکان طرح و تشکیل ارکستر مریبان را ارائه نمود که پس از تصویب در تیرماه ۳۶ شروع بکار کرد این ارکستر از مریبان موسیقی کتابخانه‌های تهران تشکیل شده است.

ارکستر مریبان گذشته از برنامه‌هایی که در کتابخانه‌های تهران داشته‌اند سفرهایی به شهرهای دور و نزدیک کشور داشته، در این کنسرتها از اعضاء کتابخانه‌ها اولیای آنها برای جلب به کلاسهای موسیقی دعوت بعمل آمده است، سعی شده است کنسرت در فضای صمیمی کتابخانه برگزار شود، قطعات اجرایی از میان قطعاتی که اعضاء موسیقی در کلاسهای خودکار میکنند انتخاب شده‌اند.

هدف این بود که آنان نحوه اجرای بهتر این قطعات را مشاهده نمایند. هنگام کنسرت در شهرها سعی شد که از اعضاء کتابخانه‌های همان شهر در این کتابخانه‌ها نیز استقبال بی نظیر بود و خستگی راه را از مریبان میگرفت. در شهرهای خرمشهر و اهواز نیز برای اعضاء کتابخانه‌ها کنسرت اجرا شد. در این کنسرتها مریبان موسیقی نیز حضور داشتند، همکاری کتابداران و ناحیه در این سفر جهت انجام این کنسرت ما را یاری داد. آخرین سفر ارکستر مریبان به کرمانشاه و شاه‌آباد غرب بود. باین صورت که ابتدا کنسرتی در کرمانشاه و روز بعد در شاه‌آباد غرب برنامه اجرا شد، در پایان سفرها و کنسرتها ما راضی بودیم که توانستیم ارتباطی به اعضاء



کنسرت در کتابخانه آبادان

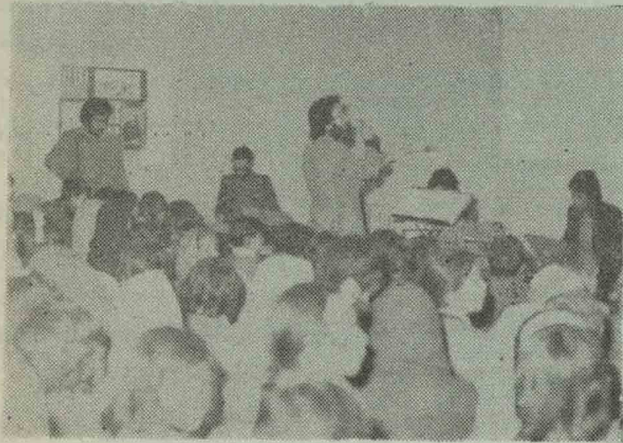
این کنسرت از اعضاء کتابخانه‌های رشت، کوچصفهان بندرپهلوی، لاهیجان، شرکت داشتند و در پایان برنامه اعضاء گروه موسیقی لاهیجان با اتفاق مربی خود قطعاتی را اجرا کردند.

در تهران نیز در کتابخانه‌های ۶ و ۸ و مرکزی، این ارکستر برنامه داشتند و قطعات تنظیمی ایرانی برای سازهای ارف را نیز در کنسرت خود اجرا نمودند.

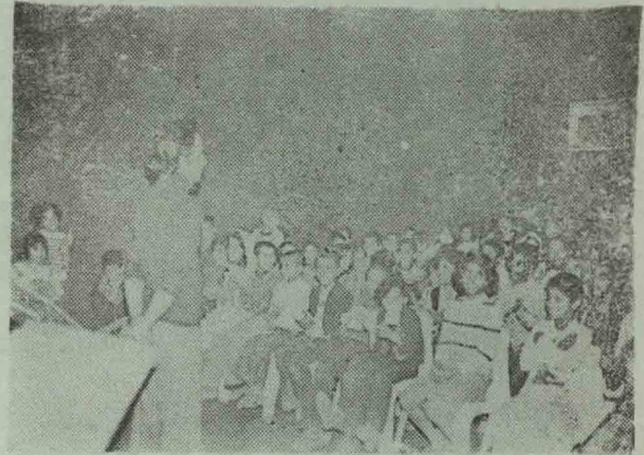
کنسرت بعدی در شهرستانهای سمنان، دامغان، اجرا شد که مورد توجه فوق‌العاده اعضاء کتابخانه‌ها

قرار گرفت بطوریکه این برنامه‌ها در کتابخانه‌ی فوق چند بار تکرار شدند.

سفر به زاهدان به اتفاق اعضاء ارکستر مریبان انجام شد، کودکان عضو کتابخانه زاهدان استقبال گرمی از ما کردند و در پایان برنامه از کارهای سفالی دستی خود به اعضاء این ارکستر یادبودهایی دادند، سپس ارکستر مریبان عازم شهرهای آبادان و خرمشهر و اهواز شدند در آبادان برای اعضاء کتابخانه‌های شماره‌های ۱ و ۲ کنسرت انجام شد.



اجرای ارکستر در کتابخانه سمنان



اعضای کتابخانه آبادان در برنامه موسیقی

کتابخانه‌های منطقه یک (بقیه)

گردید. در پایان سال ۲۵۳۶ ضرور بنظر رسید که از همهی کتابدارانی که در این راه با ما همگام بوده‌اند، یادی بشود و به‌سیاس فعالیتهای ارزنده‌ی آنان به نام چندتن از کتابدارانی را که در اینمدت بیشترین همکاری را با ما داشته‌اند اشاره نمایم:

خانمها: کبری مودن جمشیدی - شهین ارقون - صغری زارع‌رضایی - مینا عبداللهی - زهرا هوشمند - دلزنده مقدم - خدیجه یکتاترقی - پور رحیمی - جلیل‌پور - صدیقه سوری - پروین جمالی مقدم - طاهره جمالی مقدم - فریده سلیمی - رفعت ارزانی - آسیه کمالی - فریده سلیمی - نایب‌زاده - باقری ارومی -

آخرین آمار نواحی هفتگانه‌ی تحت نظارت امور منطقه‌ی ۱ کتابخانه‌ها:

رجب‌ی شوشتری - شهین ربیعی - سهیلا مسافری - عالیه رضابخش - فرزاتگان - ریاضی - قهرمانی - واحدی - محمدی - حمداله‌زاده - صبافی - پهلوان - مهرداد - فیاضی - عذرا وثوقی - احمدی - بهرامی - نرگس رحمان‌نسب - تهماسبی - بهروزیان - طیبی - طلعت نظافت - جلال‌موسوی - صغری زارع‌رضایی - نسرین رضایی - صیاد - نصیرمسلم - نازنین ابوالوردی - افسر مظفری - بهجت رحیم‌پور - شهلا عین‌القضاتی - فاطمه میررشدیدی - مهناز خسروی - ام‌کلثوم واحدی - کشتیبان - اشرف‌السادات چرمی .

امید که در سالی که آغاز می‌کنیم، شاهد تلاشهای سازنده و همه‌جانبه‌ی تمامی کارگزاران فرهنگی کتابخانه‌ها باشیم و در گسترش و پیگیری هدفهای ارزنده‌ی کانون سهم سازنده‌تری داشته باشیم .

کتابخانه‌های سیار شهری	کتابخانه‌های سیار روستایی	کل اعضاء کتابخانه‌های ثابت شهری	تعداد کتابخانه‌های ثابت شهری	ناحیه
۱ واحد	-	۳۴۰۹۵ نفر	۲۱	کرمان و هرمزگان
۳	۱	۱۱۹۶۵	۴	سیستان و بلوچستان
۲	۲	۳۱۱۰۴	۱۳	خراسان
۲	-	۳۵۴۳۹	۱۲	مازندران
۱	۱	۲۹۴۵۴	۱۲	گیلان
۴	۲	۲۵۸۹۶	۱۰	آذربایجان و زنجان
۲	۱	۴۱۷۲۶	۱۲	غرب
۱۰ واحد	۷ واحد	۲۰۹۶۸۱ نفر	۸۴ کتابخانه	جمع

کتابخانه‌های منطقه دو



خانم لیلی ایمن در کتابخانه شماره ۲ شیراز

طرح مربوط به کتابخانه‌های روستائی

برای هماهنگ ساختن فعالیت‌های کتابخانه‌های روستائی در سراسر منطقه، طرحی تنظیم گردید که فعالیت‌ها، از برپاداری و پخش کتاب تا اجرای برنامه‌های فرهنگی در روستا و شیوه تشویق و راهنمایی دانش‌آموزان روستائی به کتابخوانی و همکاری نزدیک بین کتابخانه‌های شهری و روستائی را در برمیگیرد.

تدارک مقدمات سال جهانی کودک

به مناسبت سال جهانی کودک که از دی‌ماه ۲۰۳۷- ۲۰۳۸ می‌باشد، در کتابخانه‌های امور منطقه ۲ اقدامات و برنامه‌هایی شروع شده و هر روز سعی بیشتری در مفید بودن این برنامه‌ها و انطباق آنها با زمینه‌های فکری و عوامل فرهنگی و محیط کودکان و نوجوانان کشور میشود.

قسمتی از این برنامه‌ها بشرح زیر است:

۱- تشکیل گروههای پژوهشی مرکب از اعضای کتابخانه‌ها.

۲- تشکیل کلاسهای کتابداری برای اعضاء به منظور همکاری بیشتر آنان در کارهای کتابخانه.

۳- تهیه مطالب جالب و مفید برای نشریه.

۴- تشکیل يك گروه از اعضاء برای مشارکت در خدمات شهری.

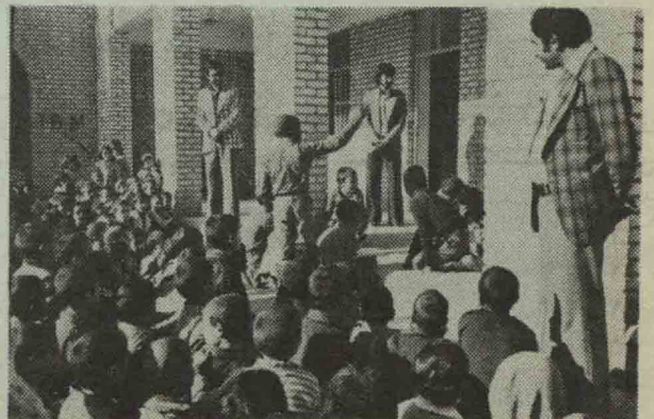
۵- تشکیل پرونده‌ای مخصوص سال جهانی کودک به منظور ثبت و ارزشیابی کارهای مربوط به آن.

پایان عرسال فرصت مناسبی است که به فعالیتهای همکاران در مدت یکسال، اشاره‌ای داشته باشیم و نتیجه تلاش آنان را در راه بهتر ساختن و پر بار کردن برنامه‌های اجرایی ببینیم.

در زیر نمونه‌هایی از فعالیت‌ها را به اختصار می‌آوریم. به امید موفقیت هرچه بیشتر همکاران در سال‌های آینده.

طرح جدید برنامه‌های فرهنگی کتابخانه‌ها

برای ایجاد هماهنگی و رفع مشکلات موجود در اجرای برنامه‌های فرهنگی، طرحی تهیه شد که مراحل آغازین آن نیز در ماههای بهمن و اسفند، اجرا گردید. برای این طرح، همه فعالیتهای فرهنگی کتابخانه‌ها در سه زمینه (علوم انسانی - علوم - هنر و ادبیات) و هرزمینه از لحاظ زمانی به چند بخش تقسیم میشود. با اجرای این طرح برنامه‌ریزی دراز مدت و هماهنگ، با توجه به جوانب گوناگون آن میسر می‌گردد. به همراه این طرح، فهرست منابع معتبر در هر دوره و راجع به هر موضوعی آماده شد که دو بخش می‌باشد. بخش اول منابعی که در کتابخانه کودک موجود است. بخش دوم منابعی که در کتابخانه‌های دیگر پیدامیشود. برای تهیه این منابع، برگه‌های کتاب در کتابخانه‌های بزرگ بررسی شد و منابع معتبر و مناسب آن انتخاب گردید به علاوه فهرستی از اسامی شخصیت‌های مربوط به هر دوره فراهم آمد که در زمینه‌های مختلف فرهنگی به ترتیب زمانی رده‌بندی شده‌اند.



اجرای نمایشنامه در روستا

جشن طوس:

در ماه تیر کتابخانه‌های کانون به مناسبت جشن طوس برنامه‌های ویژه‌ای داشتند در این برنامه‌ها تا حد ممکن بر شناخت فردوسی و ارزش کارهایش پرداخته شد و در پاره‌ای از کتابخانه‌ها نیز علاوه بر نقالی و نمایش فیلمهای پهلوانی و داستانسرایی... هنرمندان خراسانی شناسانده شدند.

جشن فرهنگ و هنر و هفته کتاب:

در تاریخ ۲۲ تا ۳۶۷۲۲ طی مراسمی با حضور وزارت فرهنگ و هنر و آموزش و پرورش، هفته کتاب گشایش یافت. در این هفته، کتابخانه‌ها با نصب پوستره‌های مخصوص جشن‌های فرهنگ و هنر و پرداختن به فرهنگ مردم و فولکلور و تشکیل نمایشگاه، برنامه‌های ویژه‌ای داشتند. به این مناسبت تعدادی از کتابداران کوشا و اعضای فعال از طرف وزارت فرهنگ و هنر جوایزی دریافت داشتند.

مسابقه تنیس روی میز:

در نیمه اول امرداد ماه نخستین دور دیدارهای تنیس روی میز اعضای کتابخانه‌های تهران در سالن



کتابرسانی به روستاهای اطراف تهران

تنیس روی میز امجدیه با همکاری فدراسیون، در خوزستان با همکاری اداره تربیت بدنی و همچنین در شیراز انجام گرفت. نفرات از ۲ گروه سنی تا ۱۳ سال و از ۱۳ سال به بالا انتخاب شد و در پایان به برندگان جوایزی اهدا گردید.

مسابقه نشریه‌نویسی:

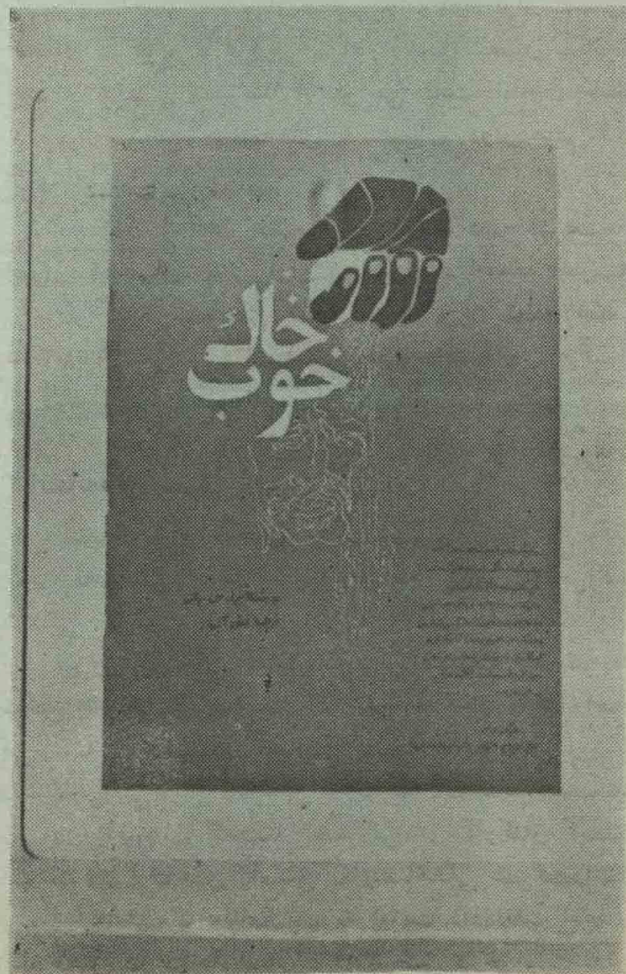
در پایان تابستان بین گروههای نشریه در کلیه نواحی منطقه ۲ مسابقه نشریه‌نویسی برگزار شد. محل برگزاری، کتابخانه شماره ۲۳ تهران و مدت آن چهار روز ۱۰ تا ۱۳ اردیبهشت بود، در این نمایشگاه ۴۲ نشریه از کتابخانه‌های منطقه ۲ عرضه شد و بهترین‌ها انتخاب گردید.

مسابقه کتابخوانی:

در مرکز فرهنگی شماره ۲ تهران به منظور تشویق اعضای کتابخانه به مطالعه بیشتر یک دوره مسابقه ترتیب داده شد، مسابقات به سه مرحله تقسیم شد. مرحله اول از کتابهای کودکان، مرحله دوم از کتابهای علمی، تاریخی، هنری و مرحله سوم از ادبیات. این مسابقه در طول ماههای تابستان ادامه داشت.

بازدیدهای تابستانی:

دیدارهای تابستانی اعضای کتابخانه‌های کانون که در ماههای تیر و امرداد انجام می‌گیرد امسال همچنین در کلیه نواحی برگزار شد. ولی ناحیه تهران - که دیدارهایش از پنجمین روز تیرماه آغاز شد - به علت امکانات گسترده‌ترش برنامه‌های بیشتری توانست داشته باشد، بطوریکه تنها از این ناحیه ۷۲۰۰ نفر عضو بازدیدکننده از بسیاری از کارخانه‌های صنعتی و موزه‌ها و نمایشگاهها دیدن کردند.



معرفی کتاب در کتابخانه شماره ۲ اهواز

اعلیحضرت رضا شاه کبیر ، برنامه‌های فوق‌العاده‌ای نیز برای کتابخانه‌های منطقه ۲ پیش‌بینی شده بود که از تاریخ ۲۰/۱۲/۲۶ بمدت یک هفته اجرا شد. این برنامه شامل معرفی شخصیت‌رضاشاه کبیر - معرفی سرزمین آلاشت - معرفی کتابها - بحث و گفتگو درباره اقدامات و اصلاحات رضا شاه کبیر و ترقی و تعالی ایران در زمان سلطنت دودمان پهلوی میباشد.

گشایش کتابخانه در روزهای جمعه

به منظور بهره‌گیری بیشتر اعضا و رعایت حال افرادی که روزهای عادی هفته امکان چندانی برای استفاده از کتابخانه برایشان وجود ندارد، بعضی از کتابخانه‌های این منطقه روزهای جمعه نیز دایر میباشد.

استقبال اعضا از این برنامه و فرصت کافی که برایشان در روزهای تعطیل برای استفاده از کتابخانه وجود دارد. موجب شده است که این امر در سطح وسیع‌تری از منطقه تعمیم یابد.

فستیوال:

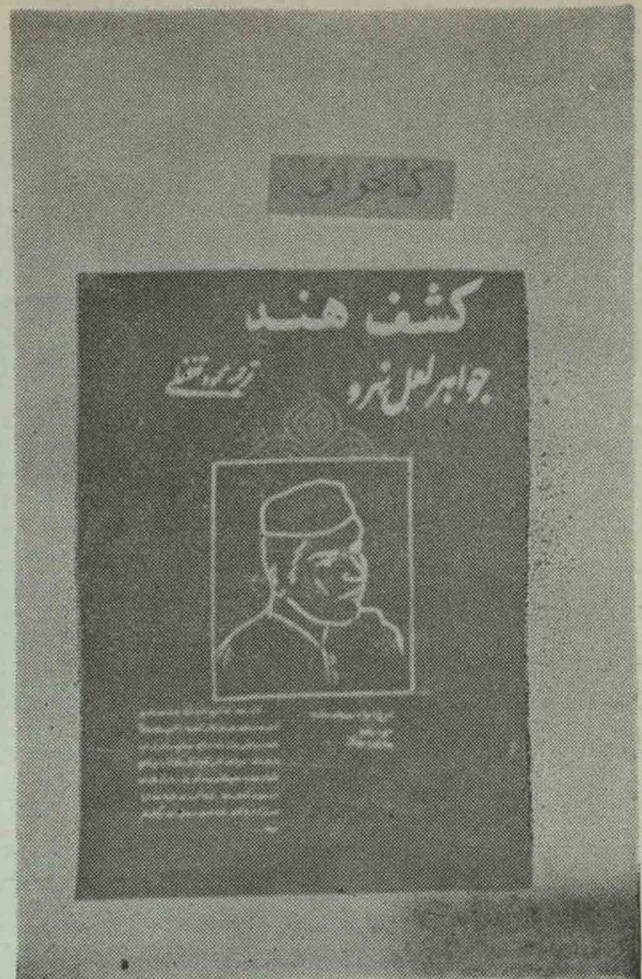
امسال شهرهای خرمشهر - آبادان - مسجد سلیمان - فسا - شیراز - جهرم - لار - اراک - ساوه - کاشان - کرج - قزوین - اهواز - اصفهان - نجف آباد - یزد و شهرضا از نواحی تحت نظارت منطقه ۲ زیر پوشش برنامه‌های فستیوال دوازدهم قرار داشتند.

در روز ۹ آبان همزمان با تهران در شهرهای اهواز، اصفهان، یزد، اراک و شیراز برنامه‌ها آغاز شد. در کلیه شهرهای تعیین شده این منطقه جمعا ۱۵۷۲۰۵ نفر از دانش‌آموزان و علاقمندان بزرگسال از فیلمها دیدن کردند.

کتابخانه‌های سیار شهری

کتابداران واحدهای سیار شهری تهران از آغاز سال تحصیلی جمعا ۱۳۵۸۲۵ جلد کتاب به مراکز درمانی - آموزشی - تربیتی به امانت داده‌اند. نیروی انسانی شاغل در این قسمت ۱۶ نفر که شامل ۱ نفر سرپرست ۱۰ نفر کتابدار و ۵ راننده می‌باشند که بوسیله تعداد ۳ دستگاه اتوبوس و ۲ دستگاه مینی‌بوس بامراکز مورد نظر در تماس هستند. در تابستان گذشته چند تن از کارکنان این قسمت در اردوهای رامسر - پیشاهنگی شرکت داشته و تعداد ۷۱۶۱۹ جلد کتاب به امانت داده‌اند.

ضمنا در دی‌ماه سال ۲۵۳۶ طبق درخواست اداره آموزش و پرورش تهران، کتابخانه سیار شماده



معرفی کتاب در کتابخانه شماره ۲ خرمشهر

دعوت از شاعران و نویسندگان:

از موفقیت‌های چشمگیر کتابخانه‌های منطقه ۲ دعوت از شاعران و نویسندگان کشور می‌باشد، که امسال به وجهی بهتر صورت گرفته است:

- آقای نجف دریابندری کتابخانه شماره ۲۳ تهران

- آقای عباس یمینی شریف کتابخانه شماره یک تهران و لویزان.

- آقای مرتی رضوان کتابخانه شماره ۱۵.

- آقای جواد مجابی کتابخانه شماره ۲۲.

- آقای فرخ صادقی کتابخانه شماره ۷ و ۱۲ و ۱۷.

- آقای منصور اوجی شماره کتابخانه ۲ شیراز.

- آقای عبدالعلی دستغیب کتابخانه شماره ۲ شیراز.

- آقای فقیری کتابخانه شماره ۲ شیراز.

- آقای خانفی کتابخانه شماره ۲ شیراز.

- خانم لیلی‌ایمن (آهی) کتابخانه شماره ۲ شیراز.

- آقای بهرام بیضائی کتابخانه شماره ۲۵ تهران.

بزرگداشت یکصدمین زادروز اعلیحضرت رضاشاه کبیر

به مناسبت روز ۲۴ اسفند، یکصدمین زادروز

۱ در (فشم - میگون - شمشک) نیز فعالیت خود را بسط داده که این کار با استقبال فراوان دانش‌آموزان این منطقه روبرو شده است. با آنکه بعضی از روستا-های این بخش جاده ماشین‌رو ندارد، کتاب‌رسان، کتابها را با کارتن به مدارس این روستاها می‌رساند. در حال حاضر در این بخش دانش‌آموزان ۲۷ مدرسه از کتابهای کانون استفاده می‌کنند.

بزرگداشت مشروطیت:

امردماه گرامیداشت سالگرد نهضت مشروطیت در ایران است. کتابخانه‌های منطقه ۲، همه‌ساله در این ماه با جدیت و تلاشی همه‌جانبه می‌کوشند تا اعضای کتابخانه‌ها را با چگونگی و علل و عوامل این رویداد بزرگ- تاریخ کشورمان آشنا کنند و با اجرای برنامه-هایی نظیر معرفی شخصیت‌های مشروطه، تهیه نشریه و بحث و گفتگو به بخشی از این رسالت جامه عمل می‌پوشانند.

کتابخانه‌های جدید

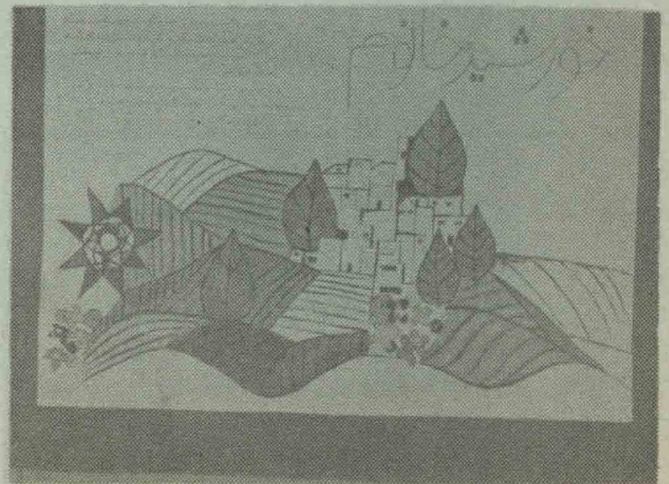
در سالی که گذشت کتابخانه‌های زیر شروع به کار کردند:

- ۱- کتابخانه شهر مسجد سلیمان
- ۲- کتابخانه شهر آباد
- ۳- کتابخانه سیار روستائی شوشتر و دزفول
- ۴- کتابخانه سیار روستائی آبادان و خرمشهر
- ۵- کتابخانه سیار روستائی ساوجبلاغ

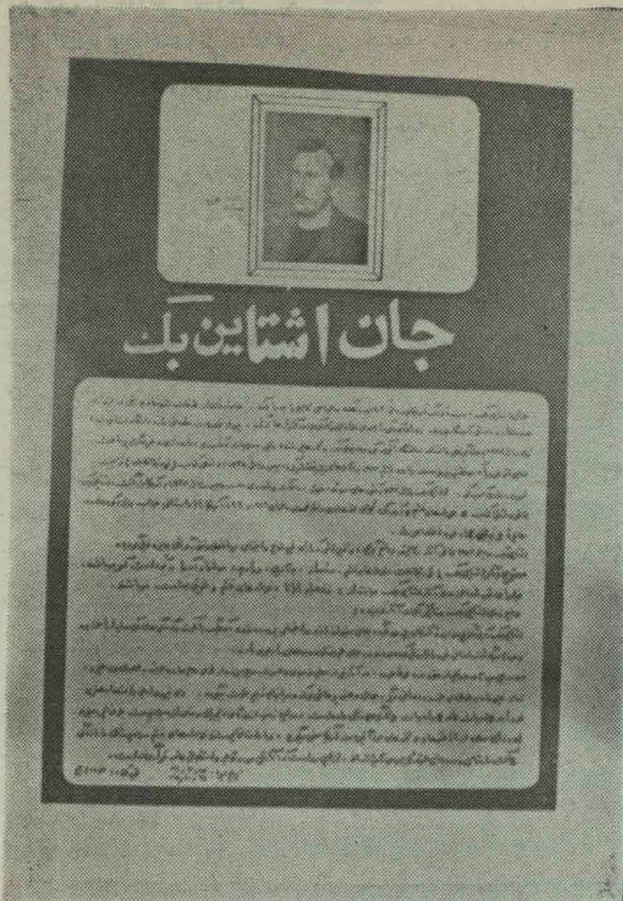
روز جهانی کودک:

کتابداران کتابخانه‌های منطقه ۲، به مناسبت هفته جهانی کودک، از چهاردهم فروردین به مدت یک هفته در کلیه مراکز فرهنگی مربوطه برنامه‌های ویژه‌ای داشتند.

در این هفته جمعی از دست‌اندرکاران ادبیات کودک کشورمان با اعضای کتابخانه‌ها به گفتگو نشستند و اعضای کتابخانه‌ها را به مطالعه هرچه بیشتر و منظم‌تر



معرفی کتاب «خورشیدخانوم» در کتابخانه شماره ۱ اهواز



معرفی کتاب در کتابخانه شماره ۲ اهواز

ترغیب کردند.

مختصری از برنامه‌های عمومی این هفته کتابخانه های منطقه ۲ بدین قرار بود:

- * معرفی دیواری و شفاهی «هانس کریستین اندرسن» نخستین بنیان‌گذار ادبیات کودک در جهان.
- * معرفی دانمارک که متن دیواری دانمارک در برخی از کتابخانه‌ها طرح جالب و چشمگیری داشت.
- * تشکیل نمایشگاه کتاب و صفحه از ساز-سان انتشارات کانون و سازمانهای انتشاراتی دیگری که با کانون در ارتباط هستند.
- * خواندن پیام روز جهانی کتاب برای اعضای کتابخانه.

* توزیع و نصب پوستر خاص هفته کتاب در کتابخانه‌ها و مدارس و اماکن عمومی.

* دعوت از اولیای مدارس و دانش‌آموزان برای آشنائی بیشتر با فعالیت‌های کتابخانه و مراجعه به مدارس به منظور جلب همکاری مدیران مدارس با کتابخانه‌های کانون.

- * تشکیل نمایشگاهی از نقاشیهای اعضای کانون.
- * تهیه مصور دیواری و طرح، با استفاده از کتابهای خاص کودکان.

نیروی انسانی شاغل در منطقه:

نیروی انسانی شاغل در منطقه ۲ جمعا ۵۵۷ نفر می باشد که شامل:

۱ مدیر امور، ۴ رئیس ناحیه، ۴ سرپرست حسابداری و بودجه، ۱ سرپرست امور عمومی، ۱۲ کارشناس و راهنمای فرهنگی، ۱۲ ماشین نویس و بایگان و منشی، ۱۲ کارمند اداری و مالی، ۱۳ اراننده سیار روستائی و شهری و ناحیه، ۱۴۰ خدمتگزار کتابخانه و دفتر ناحیه، ۲۴ کارگر، ۳۲۰ کتابدار ثابت شهری و روستائی، ۱۳ کارمند گاردکس و مسئول انبار.

آمار نواحی:

ناحیه مرکزی:

کل اعضا: ۲۸۷۱۰
اعضای جدید: ۱۰۰۶۵
کتاب امانت داده شده: ۱۰۹۱۰۰

ناحیه اصفهان:

کل اعضا: ۶۰۷۶۶
اعضای جدید: ۱۷۸۹۷

کتاب امانت داده شده:

ناحیه فارس و بوشهر:

۶۰۲۳۶۶

کل اعضا:

۳۱۷۰۷

اعضای جدید:

۲۲۰۴۶

کتاب امانت داده شده:

۱۷۰۱۶۵

ناحیه خوزستان:

کل اعضا:

۲۷۸۳۹

اعضای جدید:

۹۰۴۴

کتاب امانت داده شده:

۱۷۵۱۹۷

ناحیه تهران:

کل اعضا:

۱۱۶۶۲۳

اعضای جدید:

۲۹۳۷۱

کتاب امانت داده شده:

۸۲۵۴۰۳

آمار کل:

کل اعضا:

۲۶۵۶۴۵

اعضای جدید:

۸۸۴۲۳

کتاب امانت داده شده:

۱۸۸۲۲۳

بقیه خاطرات يك مترجم

بسیار جدی و موقر و برآستی هم محترم بود و هیچ کس در سر کلاسش شلوغ نمی کرد معلم فیزیکیان بود. این دکتر آنقدر فضل و دانش داشت که هم درسهایش قابل استفاده بود و هم صحبتهای چندان شیرین و جذابی از شگفتیهای جهان دانش می کرد که بچه ها حاضر بودند ساعتها بنشینند و گوش بدهند، و هیچ دلشان نمیخواست ساعت درس او به آخر برسد. از کلاس درس او خاطره ای دارم که هیچگاه از خاطر من نمی رود:

روزی که نیمه های ماه رمضان بود دکتر به کلاس آمد. عده ای که از قضا جزو شاگردان خوب کلاس بودند غایب بودند و غیبتشان محسوس بود. استاد پس از آنکه از چند نفر درس پرسید و درس داد ناگهان از علت غیبت بچه ها پرسید. کسی نمی دانست ولی عده ای گفتند احتمالا ممکن است روزه باشند و حال بعد از ظهر به مدرسه آمدن را نداشته اند. معلم پس از مدتی مکث یکدفعه پرسید:

— راستی از میان شما حاضران چه کسانی روزه گرفته اند؟

عده ای برخاستند. گفت: دیگر که؟ چند نفر دیگر هم باشند و به روزه داران پیوستند. آن عده همچنان ایستاده بودند و منتظر تاباندند که منظور از این سؤال

معلم چه بوده است.

دکتر دستور نشستن داد. چند بار در سکوت طول و عرض اتاق رایمود و سپس به طرف تخته سیاه رفت تا مسئله ای را مطرح کند. یکی از بچه ها دلی به دریا زد و پرسید:

— جناب معلم، ببخشید، منظورتان از اینکه بدانید چه کسانی روزه گرفته اند چه بود؟
دکتر ابتدا جواب درستی نداد و چون بچه ها اصرار ورزیدند گفت:

— حالا حتماً می خواهید بدانید که منظور من چه بود؟
بچه ها همه یکصدا گفتند: بله!

کارنامه

کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

اخبار داخلی

شماره ۱۲ (دوره ۱۰م) اسفندماه ۲۵۳۶

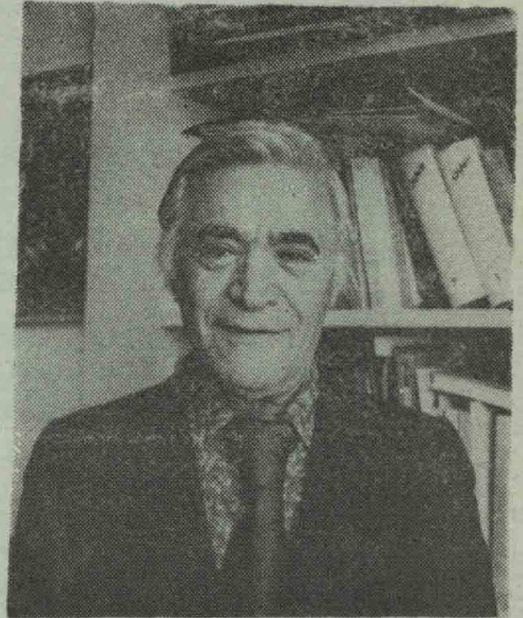
چاپخانه ی خوشه تلفن ۳۱۸۵۶۵

گراور از: پاسارگاد تلفن ۳۹۱۷۱۸

خاطرات يك مترجم

(۱۲)

محمد قاضی



به این فکر موهوم دامن زده است. این تعصب بیجا نه تنها درست نیست و هیچگونه پایه و اساس منطقی ندارد، خطرناک هم هست و همین خود موجب این واکنش شده است که کردها و جبهه چندان خوبی در جامعه ایرانی نداشته باشند، مسلماً فارسها و ترکها و سایر اقوام ایرانی نیز از این نوع تعصبات عاری نیستند ولی باز در اقوام دیگر شدت وضعف دارد و تا آنجا که من حس کردهام کردها از این لحاظ متعصبتر از همه هستند. تردید نیست که در میان هر قوم و جماعتی افراد خوب و بد، هوشمند و کم هوش، شجاع و ترسو وجود دارند و کردها گذشته از خصایص پسندیده مهمان نوازی و جوانمردی که ناشی از روح ایلیاتی است و لاجرم در میان ایلات دیگر ایران نیز فراوان به چشم می خورد مزیتی بر سایر هموطنان ایرانی خود ندارند.

باری، من بر زمینه همین افکار نادرست تبلیغات ترساننده هم می کردم، مثلاً روی تخته سیاه کلاس عکس خنجری را با گچ می کشیدم و در زیر آن می نوشتم: «من کرد بیباکم و هر کس اذیتم کند با این خنجر اشکمش پاره می کنم!» آن وقت بچه های شیطان بیشتر سر به سرم می گذاشتند و به گفته ها و کرده هایم می خندیدند، و چون به ایشان حمله می بردم در می رفتند.

بعدها که فهمیدند سنی هم هستم بهانه بیشتری برای اذیت کردن من به دستشان افتاد و در زنگهای تنفس که به حیاط می رفتیم پنج شش نفری دنبالم می افتادند و به خلیفه ثانی فحش می دادند. من از آن متعصبهای دوآتشه بودم که نماز و روزه ام ترک نمی شد و اگر توهین به خود را می توانستم تحمل کنم تاب تحمل این توهین مذهبی را نداشتم، ولذا واکنش شدیدتری از خود نشان می دادم. یادم هست که در کلاس نهم بودم و این تعصب هنوز در من بسیار قوی بود. روزی در ساعت تنفس که بچه ها همه در حیاط بودند شاگرد بلند بالای سیه چرده و لاغر اندامی به نام «ذوالمجدین» که شش انگشتی هم بود به تحریک دوسه تن از شیطان ترین بچه ها به من پيله کرده بود و آسوده ام نمی گذاشت. مرتباً دنبالم راه می افتاد و می گفت: «عمر عمرو...» چند بار فحشش دادم و به او اخطار کردم که سر به سرم نگذارد وگرنه بد خواهد دید، به خرجش نمی رفت. تا من به طرف او بر می گشتم پا به فرار می گذاشت ولی باز بر می گشت و بازی را از سر می گرفت. محرکین او نیز پابه پای او می آمدند و با

چند روز پیش از فرارسیدن ماه مهر، من با کارنامه قبولی ششم ابتدایی و با معدل درخشان نوزده و اندی در دبیرستان دارالفنون اسم نویسی کردم. مدیر و ناظم دبیرستان با دیدن کارنامه ام به تصور اینکه تحفه نطنزی به مدرسه شان رسیده است با روی باز و با خوشحالی محسوسی از من استقبال کردند. از همان نخستین روزهای ورودم به کلاس، بچه های شیطان لهجه کردی مرا به باد مسخره می گرفتند و سر به سرم می گذاشتند. من از همان آغاز، از این نحوه برخورد سخت ناراحت بودم، و این خود موجب شد که روح عصیان در من غلیان کند و شاگرد سریری از کار درآیم. چندتایی از بچه ها را زدم و از اغلبشان چنان زهرچشم گرفتم که دیگر جرأت نمی کردند زیاد دم پریم بیایند. من خودم در مهاباد بچه زورمندی نبودم و از خلیصها کتک می خوردم، ولی چون در آنجا به من تلقین شده بود که بچه های «عجم» (ترکها و فارسها) ترسو هستند شیر شده بودم و همیشه حالت تعرض داشتم؛ و این خود در تضعیف روحیه حریفان سخت موثر بود، چنانکه به عیان می دیدم بجز یکی دونفر همه از برابر من می گریختند و رودر روی من نمی ایستادند.

متأسفانه در میان کردها این تعصب شبه فاشیستی ناشی از روح نژادپرستی قوی است که خود را از هر جهت والاتر و برتر از «عجم» یعنی ترکها و فارسها می دانند و اختلاف مذهبی (سنیگری) نیز تا حد زیادی

او همان حرفها را دم می‌گرفتند. آخر من چنان از کوره در رفتم که سردر پی ایشان گذاشتم و در گوشه حیاط ذوالمجدین را گرفتم. او را به دیوار چسباندم و چنان مشت محکمی به دهانش کوبیدم که سه دندان جلوش شکست و بادهان پراز خون به شکایت پیش ناظم مدرسه رفت.

چندان نگذشت که با تأکید تمام به دفتر احضار شدم. با اینکه شاگرد خوبی بودم و حرمت را داشتند ناظم غرش کنان به طرف من آمد و در حالی که دهان پر خون حریف را نشان می‌داد داد زد که:

— مرد که وحشی، این چه حرکتی است که تو کرده‌ای؟ چرا این بچه را زده‌ای؟

لابد جنبه تعدی من بود که مرا «مردکه» کرده بود و آن دیلاخ را «بچه».

گفتم: آقا، او به حضرت عمر فحش داد، من هم زدمش.

گفت: مرده شور تو و حضرت... را ببرد! مردکه، مگر اینجا جنگل و حوش است یا کردستان که تو هر غلطی دلت خواست بکنی؟ زود برو کتابهایت را بردار و از مدرسه برو بیرون! مدرسه جای لات بازی نیست.

لابد در ذهن او کردستان هم جایی بود مثل جنگل ولانه و حوش، و در آنجا هر کاری می‌شد کرد. پس از آن، به دفتر دار دبیرستان فرمان داد که فوراً پرونده مرا بیاورد. وقتی آوردند پرونده را زیر بغلم زد و از مدرسه بیرونم انداخت.

مغموم و افسرده به خانه برگشتم. عمو همینکه فهمید مرا به سبب شرارت احمقانه‌ای از مدرسه بیرون کرده‌اند اول کتکم زد و بعد باز مرا به مدرسه برد و با ناظم به گفتگو نشست. ناظم گناه مرا قابل بخشش نمی‌دانست و به عمو تذکر داد که با بودن این «پسره وحشی» در مدرسه جان بچه‌های مردم در خطر است. سه روز رفت و آمد عمو و خواهش و تمنای او به آنجا انجامید که من او هر دو تعهدی سپردیم دایر بر اینکه دیگر نظیر این عمل از من سر نزنند و اگر کسی توهینی از این قبیل به من کرد بی آنکه خود کاری کنم شکایت او را به ناظم ببرم و یا دفاع از حضرت عمر را به خود آن حضرت واگذارم و کوتاه بیایم.

نه تصور کنید که بعد از آن ماجرا دیگر بچه‌ها سر به سرم نگذاشتند و به عمر توهین نکردند. این وضع همچنان برقرار بود، منتهی باحمله من و فرار ایشان خاتمه پیدا می‌کرد و دیگر کار به جاهای باریک نمی‌کشید. کم کم حس کردم که برای رهایی از دست ایشان باید خودم را اصلاح کنم و این تعصب‌نمایی احمقانه را که بهانه به دست ایشان می‌داد کنار بگذارم تا دستاویزی برای آزار من نداشته باشند، و این تنها راهی بود که برآستی نتیجه خوبی در پی داشت.

در قبال تعصب سنیگری من تعصب شیعه‌گری نه تنها

در بچه‌ها بلکه در بعضی از معلمان نیز قوی بود. در امتحان ثلث آخر شریعات چون می‌دانستم که خوب جواب داده و ورقه خوبی داده‌ام انتظار نمره‌ای کمتر از نوزده و بیست نداشتم؛ اما وقتی که کارنامه‌ام را دادند و من دیدم که در درس شریعات نمره دوازده گرفته‌ام به اعتراض به مدیر مدرسه شکایت بردم و آنقدر پی گرفتم تا ورقه‌ام را آوردند و بررسی کردند؛ و چون تشخیص دادند که حق به جانب من است از معلم ممتحن توضیح خواستند. او به دلیلی زشت‌تر از عذر بدتر از گناه و با کمال پررویی گفت: «درست است که این شاگرد به همه سئوالها خوب جواب داده ولی چون سنی مذهب است به آنچه نوشته است اعتقاد ندارد و لذا جا داشت که از نمره اش کم کنم.» و چنین آدهی با چنین طرز فکری معلم متوسطه بود و ارشاد فکری بچه‌ها را به عهده داشت.

معلم ادبیات ما نیز دست کمی از معلم شریعات نداشت. «آیتی» معروف که به خرج بهائیان سالها به نقاط مختلف دنیا سفر کرده و برای ترویج بهایی‌گری تبلیغ نموده بود سرانجام به ایران بازگشت و لبه تیز شمشیرش را متوجه حامیان خود کرد؛ کتابی به نام «کشف الحیل» در رد بهائیت نوشته بود و اینک برضد همکیشان قبلی خود تبلیغ می‌کرد. مجله‌ای هم به نام «نمکدان» داشت که اغلب در سرکلاس برای فروش به بچه‌ها عرضه می‌کرد. من از ذوق ادبی و قریحه شاعری خویش با او سخن گفتم و شعری از اشعار خود را در سرکلاس برای او خواندم. بالبخند تمسخر آمیزی تا آخر گوش داد و خنده‌های او بچه‌ها را نیز جری کرد که به لجه‌ام و به شعرم بخندند. بعد، توی ذوقم زد و شعرهایم را مهمل خواند و نصیحتم کرد که بیشتر کتاب شعر بخوانم و بیشتر کار کنم تا کم کم خوب بشوم.

وقتی زنگ تنفس زده شد و همه از کلاس بیرون آمدیم استاد که چند نفری دور برش را گرفته بودند مرا صدا زد و دلداریم داد که شعرهایت چندان هم بد نبود و اگر از شعرت تکذیب کردم برای این بود که بکوشی بهتر بگویی تا پیشرفت کنی. وقتی با دلسردی تشکر کردم آهسته پرسید:

— می‌خواهی شعرت را در «نمکدان» چاپ کنم؟
گفتم: شعر مهمل من که بنا به گفته خودتان قابل چاپ نیست.

به اعتراض گفت: من کی گفتم قابل چاپ نیست؟ حاضرم برای تشویق تو هم شده آنها را چاپ کنم. تشکر کردم و نوشته شعرم را به دستش دادم.

گفت: چقدر حاضری بدهی که شعرت را چاپ کنم؟
از این حرف سخت یکه خوردم. هیچ انتظار شنیدن چنین حرفی را از چنان کسی نداشتم. بیچاره من آسمان جل پولم کجا بود که برای چاپ شعرم بدهم؟
گفتم: من پول ندارم.

گفت: به نفع تو است؛ مشهور می‌شوی.
عذر من را تکرار کردم. نوشته‌ام را پس داد و گفت:
- مختاری. می‌خواستم خدمتی به تو بکنم.
از این برخورد زنده سخت ناراحت شدم. با اینکه
بچه دهاتی ساده‌ای بیش نبودم از چنین طرز فکری، آن
هم از ناحیه کسی که دعوی تربیت نونهالان کشور را داشت
و برای ارشاد مردم «نمکدان» می‌نوشت دلم بهم خورد.
باری، دوره اول متوسطه را با توفیق و بانمره‌های
نسبتاً خوب گذراندم. در آن زمان برخلاف گروه‌بندی امروز
دروس، از کلاس دهم به بعد، دبیرستان به دورشته علمی
و ادبی تقسیم می‌شد. تمام دبیرستانها کلاسهای دوره
علمی را داشتند ولی دوره ادبی فقط در دارالفنون و یکی
دو دبیرستان مهم دیگر وجود داشت. من با علاقه و آفری
که به ادبیات و تاریخ و جغرافیا و بخصوص به زبان داشتم
می‌خواستم رشته ادبی را انتخاب کنم. معلمان ادبیات و
زبان نیز در این تصمیم مشوق من بودند، خاصه معلم
زبان که من در کلاس او همیشه بهترین شاگرد بودم و
سطح سوادم در زبان آنقدر نسبت به کلاس بالا بود که
بچه‌ها هم تعجب می‌کردند. اما عمو با این فکر و تصمیم
به شدت مخالفت کرد. منطق او این بود که با انتخاب رشته
ادبی زمینه فعالیت بعدی محدود است و من آتیه‌ای بجز
معلمی یا کارمندی دولت نخواهم داشت، و در این هر دو
نان و آبی نیست. لیکن با انتخاب رشته علمی می‌توانم
به هر دانشکده‌ای بروم و حتی به خارج اعزام شوم و آخر
مهندس یا پزشک از آب درآیم و آتیه مادی درخشانی پیدا
کنم. من هرچه به عمویم گفتم که در درسهای ریاضی و
فیزیک و شیمی ضعیفم ولی در درس ادبی شاگرد خوبی
هستم و اصلاً به رشته ادبی علاقه دارم و لذا بهتر است
به رشته ادبی بروم او به عذر اینکه من هنوز بچه‌ام و
نمی‌فهمم و بعدها پشیمان خواهم شد موافقت نکرد، و
در آغاز سال که می‌بایست برای اسم نویسی به مدرسه
بروم او شخصاً همراه من آمد و اسمم را در شعبه علمی
دارالفنون نوشت.

در آخر سال چهارم در ریاضیات تجدید شدم، و
با اینکه عمو معلم سرخانه هم برای من گرفته بود چون
در امتحانات تجدیدی شهر یور در سه درس ریاضی نمره
ضعیف قبولی گرفته و در یک درس رد شده بودم رفتن
به کلاس یازدهم مشکل شد. ناچار مدرسه را عوض کردم
و به دبیرستان معرفت که به خانه آن و قتمان نزدیکتر بود
رفتم. در آن دبیرستان مرا در کلاس یازدهم علمی
پذیرفتند. آنجا نیز آخر سال در پنج درس ریاضی تجدید
شدم. رفیق باذوق و شاعری در دبیرستان معرفت به اسم
گودرز لولو پیدا کرده بودم که بسیار به هم علاقه‌مند بودیم.
او نیز همدرد من بود و مثل من در پنج درس ریاضی
تجدیدی داشت. هر دو در شهریور ماه امتحان دروس

تجدیدی را دادیم و در چهار درس از آن پنج درس نمره
قبولی آوردیم، لیکن در درس «دسکریپتیو» یا هندسه
رقومی کمتر از هفت گرفتیم. رفتن به کلاس ششم مشکل
به نظر می‌رسید، و چه خوب می‌شد اگر در همان پنجم
می‌ماندیم و حسابی دل به درس می‌دادیم و کار می‌کردیم.
برای تعیین تکلیف ما دونفر که در تاریخ مدرسه
کمتر نظیر پیدا کرده بود انجمن کردند. انجمن پس از
دوسه جلسه شور و بحث نظر داد که ما را با اخذ تعهد
به کلاس ششم ببرند، لیکن در لث اول سال ششم باز
همان تک‌درس رقومی را از ما امتحان کنند؛ اگر قبول
شدیم که چه بهتر، و ما بطور قطع شاگرد کلاس ششم
خواهیم بود، اما اگر باز رد شدیم ما را به کلاس پنجم
برگردانند.

بیشتر هم‌کلاسیها و حتی بعضی از معلمان دل‌داریمان
می‌دادند و دلگرممان می‌کردند که این تعهدها اغلب
صوری و تشریفاتی است و تا کنون سابقه نداشته است
که کسی را از کلاس بالاتر به کلاس پایین‌تر برگردانده
باشند. ما یقین کردیم که دیگر خرمان از پل گذشته
است و حال باید سعی کنیم که در کلاس ششم کار کنیم و
شاگرد خوبی باشیم تا در امتحان نهایی قبول شویم و
دیپلم متوسطه را که در آن زمان جواز معتبری برای ورود
به صحنه زندگی بود بگیریم. آن دوست شاعرم را که او
نیز به مصداق فلسفه‌ای نظیر فلسفه عموی من رشته
علمی را انتخاب کرده بود تشویق کردم که با هم درس
بخوانیم، و برآستی کم‌کم داشتیم شاگردان خوب و
درسخوانی می‌شدیم و امید کامیابی در دلمان زنده شده
بود. در عوض از یاد آن درس رقومی تجدیدی که دیگر
در کلاس ششم ادامه نداشت غافل ماندیم و تعهدی را
که از ما گرفته بودند تا در لث اول باز امتحان آن را
بدهیم جدی نمی‌گرفتیم.

نزدیک به وسطهای سال بود که روزی یقه من و
رفیقم را گرفتند و ما را از دفتر مدرسه خواستند تا بر
طبق تعهدی که سپرده بودیم درس تجدیدی رقومی را امتحان
بدهیم. ما اصلاً آن تعهد و آن درس را پشت گوش انداخته
بودیم و هنوز فکر می‌کردیم که امتحان آن تشریفاتی است،
یعنی باری به هر جهت نمره‌ای به ما خواهند داد تا پرونده‌مان
ناقص نباشد. مسایل امتحانی مشکل بود و مانره
قبولی نیاوردیم. وقتی بعد از سه روز من و رفیقم را به
کلاس پنجم برگردانند این ضربه چنان اثری در ما کرد
که گفتمی در خواب سنگینی بوده‌ایم و اینک با یک سطل
آب یخ که روی سرمان ریخته‌اند بیدار شده‌ایم. اعتراض
کردیم، ترتیب اثر ندادند؛ شکایت به وزیر فرهنگ
بردیم و حتی من شعر رقت‌انگیزی به صورت «مخمس
مستزاد» خطاب به آقای علی‌اصغر حکمت وزیر فرهنگ
وقت ساختم که در آن شرح حال خود و رفیقم را با

پرسند.

موضوع با این جواب ملا نصرالدینی و در لفافی از خنده پیچیده شد و لای آن را درز گرفتند.

کم کم به آخر سال نزدیک می شدیم و به عظمت خطر با چشم بازتری پی می بردیم. از وضع خانوادگی دوست شاعرم اطلاع درستی نداشتیم و نمی دانستیم او چه خواهد کرد، اما در مورد خودم می دانستیم که کلاهم پس معرکه است. هر دو در آخر سال چوب دوسر طلا یعنی از ششم رانده از پنجم مانده می شدیم، و چون رفوزه دو ساله بودیم و مشمول نظام وظیفه، بی معطلی ما را به نظام اجباری معرفی می کردند و به سربازی مان می بردند. لابد دو سال خدمت سربازی هم روحیه مان را عوض می کرد و ما دیگر کسی نمی بودیم که بتوانیم باز تن به درس و تحصیل بدهیم.

این بلا را عمو بر سر من آورده بود و به خودش هم در جواب توپ و تشره ایش گفتم. او تهدیدم کرد که اگر رفوزه بشوم از خانه بیرونم خواهد کرد. گفتم عمو جان، شما خودتان مرا به این روز انداختید؛ من که به شما گفتم ذوق و استعداد ریاضیات و فیزیک و شیمی راندارم، و اگر گذاشته بودید به شعبه ادبی بروم حالا دیپلمم راهم گرفته بودم. او توصیه کرد که حالا به شعبه ادبی بروم. ولی دریغاکه دیگر این اجازه دردی از من دوا نمی کرد و نوشداروی بعد از مرگ سهراب بود؛ اگر مشمول نظام وظیفه نبودم امکان داشت به کلاس چهارم ادبی بروم و سیکل دوم متوسطه را از سر شروع کنم. و با این ترتیب سه سال دیگر از عمرم تلف می شد.

باری. امتحانات به پایان رسید و مسلم بود که کارما ساخته است. همچون کسی که در آخرین لحظه سقوط از پرتگاهی مخوف به جستجوی تنه درختی یا بوته ای می گردد تا مگر خودش را به آن بیاویزد و نجات یابد من نیز چشم می گرداندم که دستاویزی پیدا کنم و راه نجاتی بجویم. گویی انتظار داشتیم که بعد از مرگ سهراب نوشدارویی برسد و معجزی بکند. و چه مشکل است باور کردن این نکته که من این دستاویز را یافتم و نوشداروی سهرابی با اینکه پس از مرگ رسید زنده ام کرد.

چه بیچاره بودیم که گمان می کردیم اگر این دیپلم کوفتی را نگیریم از گرسنگی خواهیم مرد! گویی نمی دیدیم که اغلب ثروتمندان مشهور مملکت و بیشتر کسانی که پولشان از پارو بالا می رفت حتی اسم خودشان راهم بلد نبودند بنویسند. گویی گفته شیخ اجل سعدی را فراموش کرده بودیم که:

کیمیاگر به غصه مرده و رنج

ابله اندر خرابه یافته گنج

شیوه تعلیم و تربیت چنین بود که ما را گدا صفت و انگل بار بیاورند و هرگونه نیروی عزم و اراده و اعتماد

به نفس رادر ما بکشند.

ستمها و بی انصافیهایی که در حق ما کرده بودند به تفصیل بیان کردم و دادخواستتم، و بد نیست که در اینجا دوسه بندی از مطلع آن رایبآورم:

حضرت حکمت، اگر نامه من بر خوانی،
شرح احوال دو بیچاره مضطر خوانی؛
داستان دو ستم دیده ابر خوانی
پس از آن قصه جور دو ستمگر خوانی
گر نخوانی چه از این بهتر و خوشتر خوانی؟
از سلیمان نشود حشمت کم
گر به مورش نظر افتد زکرم.
اول مهر چو تعطیل به پایان برسید
هر دو بودیم سر درس رقومی تجدید
لیک از بعد هزاران قسم و وعد و وعید
التزامی بگرفتند زما بی تردید
تا بر فتم کلاس ششم سال جدید
که مه آذر چون سر برسد
بهر ما ساعت کیفر برسد.
امتحان آخر دی از من و او چون کردند
امتحانی نه به انصاف و نه قانون کردند
دل ما رابه یکی نمره «شش» خون کردند
قصر آمال زما یکسره وارون کردند
این ستمها که به ما شد نه به مجنون کردند
زین سبب حالیه مجنون شده ایم
خود نفهمیم که ما چون شده ایم

.....

تنها اثر شعر من این شد که بازرسی آمد و به اصطلاح رسیدگی کرد، اما از خود ما کسی چیزی نپرسید و اصلاً یک بار هم ما را برای شنیدن حرفها مان احضار نکردند. خود بریدند و خود دوختند و گفتند آنچه شده درست بوده و خطایی بر قلم مدیران و دبیران نرفته است.

در بازگشت به کلاس پنجم دیگر دو شاگرد جدی درس خوان نبودیم بلکه دوهوچی شریر و ناراحت شدیم که گروهی از لشوش ته کلاس را نیز با خود همراه کردیم و آرام و آسایش را بر معلمان حرام نمودیم. اذیتی نبود که نکنیم، کلکی نبود که نزنیم و روزی نبود که از سر کلاس بیرونمان نکنند. چه صحنه ها که می ساختیم و چه بازیها که در می آوردیم، و تازه شرح آن صحنه ها و آن بازیها را نیز من شعر می کردم و در کلاس به صدای بلند می خواندم و همه غش غش می خندیدند. فریبرز صدای هدهد می کرد و عدالت صدای بزغاله، خسروی کبوتر زیر لباسش قایم می کرد و سر کلاس می پراند، و آن وقت ما بیچاران ته کلاس همه یکدفعه از پشت میزها به هوا می جستیم و می خواستیم حیوان زبان بسته را بگیریم. بیچاره معلمان که می خواستند در چنین بازار شام یا باغ وحشی درس شیمی یا ریاضی بدهند! تنها معلمی که

بقیه در صفحه ۱۶

اخبار و وقایع پرسنلی اسفندماه ۲۵۳۶ را به اطلاع همکاران گرامی میرسانیم

ازدواج

دوستان و همکاران زیر در ماه گذشته پیوند ازدواج بستند و تشکیل خانواده داده‌اند ضمن تبریک و تمنیت خوشبختیشان آرزوی ماست.

- ۱- خانم اقدس میرحاج کتابدار همایونشهر
- ۲- آقای ابوالفتح یمینی مشاور راننده قسمت نقلیه
- ۳- خانم سیده زهرا برادران قوامی کتابدار کتابخانه شماره ۴ تهران
- ۴- خانم صغری زارع رضایی تپسه کتابدار کتابخانه بندرپهلوی

تولد

مقدم نورسیده مبارک.

- آقای حیدرعلی افتخاری خدمتگزار کتابخانه شماره ۳ خانم فوزیه عزیزپور کتابدار قصرشیرین
- آقای احمد گل محمدی خدمتگزار کتابخانه شماره ۲۲ آقای زاحم نوری نگهبان خدمات اداری
- آقای علی جعفر بیگلو کارگر خدمات مهندسی
- آقای مجید مطاع کارمند اداری ناحیه اصفهان
- آقای ایرج جباری گوجار سرایدار کتابخانه شماره ۱ رضاییه
- خانم نرجس خاتون احمدنژاد مسئول درجه ۲ غازیان
- خانم پروین سبزیپوری کتابدار سیار شهری تبریز
- خانم حشمت کهرنگی کتابدار شماره ۱ اصفهان
- آقای احمد قادری سرایدار کتابخانه شماره ۱ کرمانشاه
- آقای مرتضی میرمهروی خدمتگزار کتابخانه شماره ۱۰ خانم ایران سازگار مسئول درجه ۲ کتابخانه دزفول
- آقای علی اکبر صالح آبادی راننده قسمت نقلیه

ترفیع

ترفیع سمت همکاران عزیز را تبریک میگوئیم

- ۱- خانم محترم رستمی نجف آبادی از کتابداری نجف آباد به جانشین مسئول درجه ۲ همان کتابخانه
- ۲- خانم زیبا عزیززاده بوشهری از کتابداری شهرضا به جانشین مسئول درجه ۲ همان کتابخانه
- ۳- خانم منتها بهروززاده از ماشین نویس اداره پرسنل به مسئول بایگانی
- ۴- خانم ربابه حبیبیان از کتابداری جیرفت به مسئول درجه ۲ جیرفت

- ۵- خانم بتول مصدقی کتابدار کتابخانه شهید به جانشین مسئول درجه ۲ شهیداد
- ۶- آقای علی اصغر میرزائی از کارمندی به سرپرست امور عمومی تولید فیلمهای ۱۶ میلیمتری
- ۷- آقای حسین دهقان راننده ناحیه مرکزی به کتابدار سیار روسنایی ناحیه مرکزی

انتقال و تغییر سمت

بجای خدمت جدید همکاران زیر را به اطلاع میرسانیم.

- ۱- آقای یمینی گرگانی خدمتگزار پارك فرح به کتابخانه ۱۹
 - ۲- آقای تقی گیلانی دیواندی معاون اجرایی نمایشگاه هنری به امور جشنواره‌ها و نمایش
 - ۳- خانم صغری کاشانی نکو ماشین نویس اداره پرسنل به ماشین نویس بایگان مرکز آموزش فیلمسازی
 - ۴- آقای اسدالله معروفی کارگر تدارکات به انبار ونک منطقه ۲
 - ۵- خانم مهین رازانی نظام‌العلماء کتابدار ۲۵ شهران به خرم‌آباد
 - ۶- آقای علی محمد احمدی کارمند اداری ناحیه مرکزی به منطقه ۲
 - ۷- آقای جلال میرعسگری کارگر فنی ناحیه گیلان به کتابدار سیار روستایی ناحیه گیلان
 - ۸- آقای منصور کدیور برنامه‌ریز نقاشیهای متحرك به کارشناس دفتر سازمان و روشها
 - ۹- آقای عبدالله تاملی متصدی زیراکس خدمات اداری به دبیرخانه
 - ۱۰- آقای فرامرز سعادت کارمند زیراکس خدمات خدمات اداری به دبیرخانه
 - ۱۱- خانم بی بی عزت محآوری از جانشین مسئول درجه ۲ طبس به کتابداری شماره ۲ مشهد
 - ۱۲- خانم زهرا سعیدی ماشین نویس اداره پرسنل به ماشین نویس بایگان مرکز تولید فیلمهای آموزشی
- تسلیمت
- امیداست همکاران زیر ما را در سوک مرگ عزیزانمان سهیم بدانند.
- ۱- خانم معصومه حیدر کارمند اداره حسابداری
 - ۲- آقای مهدی وزیری سرپرست قسمت دبیرخانه
 - ۳- آقای احمد خداشمیری کارمند قسمت دبیرخانه
 - ۴- آقای حسین سامی سرپرست قسمت عمومی منطقه ۲

بقیه کانون در سالی که گذشت

کودکان عضو کتابخانه‌ها نمایشگاه‌هایی تشکیل داد و همچنین در ۲۲ نمایشگاه داخلی و خارجی شرکت کرد.

مرکز آموزش فیلمسازی

در سال گذشته، این مرکز کلاس‌های متعددی در زمینه آموزش فیلمسازی زنده ۸ و ۱۶ میلیمتری و نقاشی متحرک و عکاسی در تهران و شهرستانها برپا کرد. کلاسهای آموزش فیلمسازی در دو دوره تشکیل می‌شود. هنرجویانی که در دوره اول موفق شوند، به دوره دوم راه می‌یابند.

مهمتر از ذکر جزئیات، نشان دادن حاصل کار است: هنرآموزان این کلاس در مدتی کوتاه حدود ۳۰۰ فیلم زنده آزمایشی، و داستانی و همچنین ۱۴۳ فیلم نقاشی متحرک ساخته‌اند.

این مرکز در سه جشنواره خارجی و چهار جشنواره داخلی شرکت کرده و موفقیت‌های درخشانی بدست آورده است.

مرکز تهیه صفحه و نوار

این مرکز در سال گذشته سه کاست از شعرهای نصرت رحمانی، یدالله رویائی و فروغ فرخزاد در مجموعه صدای شاعر تهیه کرد.

و همچنین سه نوار کاست در مجموعه شناخت موسیقی سنتی ایرانی، سه کاست در مجموعه قصه برای کودکان، دو کاست در مجموعه زندگی و آثار برای نوجوانان تهیه کرد، ضمناً ۱۶ کاست در مجموعه‌های مختلف را تجدید تولید کرد.

کار این مرکز در زمینه موسیقی ایرانی ارزش خاصی دارد - بخصوص کاست «آوازهای دیروز» که مجموعه‌ایست از آثار صبا، مختاری، قمرالملوک وزیری، بدیع‌زاده، سمعی و خالقی.

این مجموعه به مناسبت بزرگداشت یکصدمین زادروز اعلیحضرت رضاشاه کبیر تهیه شد.

انتشارات

سازمان انتشارات کانون در سال گذشته ۳۰ کتاب در زمینه‌های متنوع داستانی و غیر داستانی تهیه کرده است. گذشته از آن ۵۰ کتاب نیز تجدید چاپ شد.

بخش عمده انتشارات این سازمان، همچنان از نوشته‌ها و نقاشی‌های نویسندگان و تصویرگران ایرانی است و جای خوشوقتی است که یکی از کتابهای امسال کانون با نام «کتاب توکا» با نقاشیهای بهرام خائف جایزه‌ی مخصوص نمایشگاه جهانی بولونیای ایتالیا را بدست آورد. در زمینه داستان، این سازمان نخستین کتاب از مجموعه‌ی مبتکرانه قصه‌های مردم جهان را با نقاشی تصویرگران ایرانی منتشر کرد.

عنوان این کتاب «با هم زندگی کنیم» است با

درونمایه دوستی و صلح و به همین خاطر سازمان‌های فرهنگی جهانی از آن استقبال کردند. این کتاب به زبان‌های مختلف ترجمه و منتشر خواهد شد.

سازمان انتشارات، همچنین انتشار مجموعه «با دستهای کوچکمان» را که برگزیده‌ی نوشته‌ها و نقاشی‌های کودکان و نوجوانان ایرانی است، آغاز کرد و در این زمینه سه مجموعه داستان و یک مجموعه شعر منتشر کرد.

سازمان انتشارات کانون در سال ۲۵۳۶ با تولید ۳۰ کتاب جدید، مجموعاً در ۳۲۰۰۰۰ نسخه، و تجدید چاپ ۵۰ عنوان از کتابهای پیشین خود، مجموعاً در ۵۳۰۰۰۰ نسخه و تهیه‌ی ۱۲ شماره از «کارنامه» کانون و سه شماره از فصلنامه‌ی کانون با جمع کل ۹۲۰۰۰۰ نسخه به حد نصاب تازه‌ای در تولید کتاب در طول دوازده سال فعالیت کانون دست یافت.

فستیوال

در دوازدهمین فستیوال، ۱۶ فیلم از ۱۹ کشور از میان ۲۱۶ فیلم ارائه شده انتخاب شد. برنامه‌ی رسمی در دو سینما مکرراً به نمایش در آمد. سه برنامه جنبی (نقاشی‌های متحرک مجارستان - هفت فیلم باله از شوروی - فیلم برای خانواده) نیز از برنامه‌های فستیوال بود. با برگزاری فستیوال، در ۱۰ هیئتمای تهران برنامه نمایش فیلم برای کودکان و نوجوانان و خانواده‌ها به نمایش گذاشته شد.

مرکز تولید فیلم‌های آموزشی

این مرکز در سال گذشته ۵ فیلم آموزشی و رویهم رفته به مدت ۷۹ دقیقه - ساخت. ۱۳ فیلم متنوع آموزشی نیز در مراحل مختلف تهیه و تولید است.

در فیلم‌های آموزشی این مرکز، کوشش می‌شود «آموزش» به نحوی غیرمستقیم، از راه برانگیختن تفکر، اعمال می‌شود.

مرکز سینمایی

در سال گذشته، این مرکز ۵ فیلم زنده و ۲ فیلم نقاشی متحرک، رویهم رفته به مدت ۲۵۲ دقیقه، ساخت و ۱۷ فیلم نیز در مراحل مختلف دست تهیه دارد. آرشیو اختصاصی مرکز سینمایی از نسخه‌های اصلی ۷۲ فیلم ساخته شده در این مرکز - برای تکثیر و نمایش آنها - نگاهداری می‌کند.

امور جشنواره‌ها و نمایش فیلم

کار این واحد - در همکاری با مرکز سینمایی و دیگر سازمان‌های فرهنگی کانون - برنامه‌ریزی برای شرکت در جشنواره‌هاست و ترتیب هفته‌های فیلم در کشورهای مختلف و انتخاب تهیه و خرید فیلم برای آرشیو مادر است.

در سال گذشته این واحد در ۱۹ جشنواره جهانی و ملی شرکت کرد و چهار هفته‌ی فیلم در خارج و یک هفته فیلم در ایران برگزار کرد.

سال جهانی کودک ۱۹۷۹ (دیماه ۲۵۳۷-۲۵۳۸)

گزارش فعالیت‌های داخلی کودکان

سینمای کشور بمدت يك هفته فیلم‌های ویژه کودکان و نوجوانان و فیلم‌های ویژه خانواده‌ها نمایش داده شود.

۸- تهیه يك فیلم از فعالیت‌های «آموزشگاه عالی خدمات اجتماعی» جزء برنامه‌های کار کانون قرار گرفته است.

۹- تهیه پنج فیلم تبلیل‌کننده درباره شخصیت‌هایی که بنوعی در بهبود تعالی موقعیت کودک ایرانی کوشش کرده‌اند، جزء برنامه‌های کار کانون بوده است. در حال حاضر تهیه فیلم درباره علیاحضرت فرح پهلوی شهبانوی ایران - شادروان صبحی - آقای حسین بنائی - شادروان جبار باغچه‌بان و آقای بهمن بیگی بتصویب رسیده است.

۱۰- مرکز سینمایی کانون فیلمی درمورد فعالیت‌های گوناگون کانون را در دست تهیه دارد و این فیلم در حله مونتاژ دوم را می‌گذراند.

۱۱- سناریوی دو فیلم بناءهای «شکل اول - شکل دوم» و «آدمک کارتونی» با الهام از مواد اعلامیه حقوق کودک بتصویب رسیده است و کارگزاران این فیلم‌ها تعیین شده‌اند.

۱۲- تاکنون ۸ سناریو برای فیلم‌هایی که عنوان «مشاغل» را دارد و هدف از تهیه آنها معرفی مشاغل گوناگون برای کودکان و نوجوانان است، آماده گردیده است و بزودی کار تهیه آنها آغاز میشود.

۱۳- هنرجویان کلاسهای آموزش فیلم‌سازی چند فیلم در مورد مسائل کودکان و نوجوانان در دست تهیه دارند.

۱۴- تهیه يك صفحه از فولکلور ایران که جزء برنامه‌های کودکان بوده است، بزودی با صدای خانم منیر وکیلی پایان میرسد و در اسفندماه پخش میشود.

۱۵- يك کاست با صدای خانم سیمین قدیری تهیه و در اسفند ماه توزیع میشود.

۱۶- دو کاست از قصه‌های صبحی با صدای صبحی در دست تهیه است.

علی میرزائی

در اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد بتاريخ ۲۱ دسامبر ۱۹۷۶، سال ۱۹۷۹ به اتفاق آراء بنام سال جهانی کودک اعلام شد و از تمام کشورهای عضو خواسته شد که بمنظور بهبود جنبه‌های مختلف زندگی کودک برنامه‌هایی را بمرحله اجرا درآورند.

حسب‌الامر علیاحضرت فرح پهلوی شهبانوی ایران در بیست و یکمین نشست شورای عالی رفاه اجتماعی، مقرر گردید که کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان مسئولیت برگزاری سال جهانی کودک را بعهده بگیرد. کانون علاوه بر این وظیفه عمومی، اختصاصاً نیز به اجرای برنامه‌ها و فعالیت‌هایی در سطوح مختلف واحد-های خود پرداخته است که گزارش این فعالیت‌ها در پائین آورده میشود:

۱- اقدامات تشکیل گروههای پژوهشی در کتابخانه‌ها آماده شده است و این گروهها بزودی شروع بکار می‌کنند.

۲- بزودی در ضمیمه روزنامه رستاخیز، با همکاری مؤثر کارگزاران کانون، صفحاتی ویژه کودکان انتشار خواهد یافت.

۳- تهیه کتابی در زمینه «تاریخ ادبیات کودکان ایران» و «کودک در ادبیات، شعر و فرهنگ ایرانی» در برنامه کار سازمان انتشارات کانون قرار گرفته است.

۴- اولین نمونه از آثار کودکان، بانام «بادستهای کرچکمان» شامل قصه‌ها و نقاشی‌های کودکان، بوسیله سازمان انتشارات کانون منتشر شد.

۵- برای تشکیل نمایشگاه جهانی کتاب‌های کودکان و آثار تصویرگران آثار کودکان، با برگزار کنندگان نمایشگاه بولونیا، مذاکرات مقدماتی بعمل آمده است.

۶- اقدامات اولیه برای تکمیل و گسترش آرشیو فیلم کانون در زمینه‌های سرگرم‌کننده، آموزشی و اطلاعاتی بعمل آمده است تا امکانات برای شبکه کتابخانه‌های کانون و کلیه سازمانهای متقاضی کشور از آغاز سال جهانی کودک فراهم شود.

۷- برگزاری هرچه وسیعتر چهاردهمین جشنواره فیلم‌های کودکان و نوجوانان در واحد جشنواره‌ها و نمایش کانون مطالعه میشود و در نظر است که در ۵۰۰

کانون همچنین در ۵۵ خانه فرهنگ روستایی فعالیت دارد. اهمیت این رقم‌ها وقتی روشن می‌شود که ظرفیت آنها را دریابیم:

نزدیک به دو میلیون کودک و نوجوان روستایی و عشیره‌ای از کتابخانه‌های سیار کانون کتاب به امانت گرفته‌اند - و کتابخانه‌های سیار شهری، به بیش از ۳۵۱ هزار نفر کتاب رسانده‌اند.

۲۱/۵

مرکز آموزش موسیقی

در سال گذشته برنامه آموزش این مرکز در ۲۱ کتابخانه تهران و ۳۷ کتابخانه شهرستان ادامه پیدا کرد، برای درک بهتر و اجرای آسانتر موسیقی توسط کودکان، دو جزوه راهنما تهیه شد. در آموزش موسیقی، تاکید بر شناخت بهتر موسیقی ایرانی بود.

گروه‌های موسیقی کتابخانه‌ها، در سال گذشته ۱۵ کنسرت اجرا کردند.

این مرکز، آرشیوی از موسیقی کلاسیک و ایرانی و موسیقی سنتی فراهم آورده است.

مرکز آموزش هنرهای تجسمی

این مرکز در سال گذشته با برپا کردن ۱۱۲ کلاس

بهاری که در راه است، سیزدهمین بهار شکفتن کانون ماست. در آستانه‌ی بهار تازه، نگاهی به کوشش‌های فرهنگی کانون در سال گذشته می‌افکنیم:

کتابخانه‌ها

کتابخانه‌های کانون، در واقع مراکز فرهنگی‌اند که در بیشتر زمینه‌های خلاقه‌ی ادبی و هنری برای کودکان و نوجوانان فعالیت دارند.

تعداد کتابخانه‌های ثابت شهری به ۱۵۳ کتابخانه رسیده است - به ترتیب توزیع کتابخانه‌های ثابت کانون در سراسر کشور دقت کنید:

از ۱۵۳ کتابخانه‌ی ثابت، ۲۸ کتابخانه در نقاط مختلف تهران، بخصوص در مناطق و محله‌های جنوبی شهر پراکنده است و ۱۲۵ کتابخانه ثابت در دوازده «ناحیه» وسیع کشور - برحسب موقعیت جغرافیایی و ملاحظات دیگر - پراکنده شده.

راه‌آهن یک واگن در اختیار کانون گذاشت و کانون این واگن را به کتابخانه، سالن مطالعه و نمایش فیلم و فیلم استریپ و پخش صوت مجهز کرد.

کتابخانه‌های ثابت کانون با حداکثر ظرفیت و توان خود کار می‌کند: ۴۷۵۳۳۶ کودک و نوجوان عضو کتابخانه‌های ثابت‌اند. یعنی نزدیک به نیم میلیون؛

کانون در سالی که گذشت

نقاشی در کتابخانه‌های تهران و شهرستان کوشید تا امکان آموزش هنرهای تجسمی را برای بیشتر کودکان و نوجوانان با استعداد و علاقمند به این هنرها فراهم آورد. سال گذشته ۹۹۰۰۰ کودک و نوجوان در کلاسهای نقاشی کتابخانه‌ها آموزش دیدند.

این مرکز با نشر مجله «خط و ربط» و برگزاری گردهم‌آیی‌ها و اعزام متخصصان به نواحی و تشکیل کلاس‌هایی برای مربیان هنرهای تجسمی، در آموزش مستقیم و غیرمستقیم آنان کوشاست. استفاده از دوره‌های کوتاه مدت تخصصی در خارج (بورس) نیز امکان دیگری در این زمینه است.

این مرکز برای معرفی هنرهای کودکان، از آثار

بقیه در صفحه ۲۲

اگر تحلیل می‌روند و فرسوده میشوند، شور و شوق و زنده بودن خود را هرگز از دست ندهند - این فضیلت را باید خالصانه آموخت... یک کتابدار خوب باید دارای دو صفت عهده باشد: یکی اینکه کتابخوان باشد و دیگر اینکه به کسانی که به کمک و راهنمایی نیازمندند صمیمانه خدمت کند.

از «هورن بوک» شماره اوت ۷۶

سال گذشته در تجدید عضویت تمامی اعضای کتابخانه‌های ثابت‌اند، یعنی نزدیک به نیم میلیون.

بار به کتابخانه‌های کانون راه یافته‌اند. کودکان و نوجوانان عضو کتابخانه‌ها، نزدیک به ۴۵ میلیون برای مطالعه به خانه‌هاشان برده‌اند. و بیش از ۶ میلیون نفر در کتابخانه مطالعه کرده‌اند. جمع دفعات استفاده از برنامه‌های گوناگون کتابخانه رقمی قابل ملاحظه است: ۱۱۱۶۹۷۳۳۵ - این برنامه‌ها شامل بحث و معرفی کتاب و معرفی شخصیت‌ها و سرزمین‌ها و ملت‌ها و شعرخوانی، داستانسرایی، شطرنج، بازدید، نمایش فیلم و فیلم استریپ است.

کانون ۱۴ کتابخانه‌ی سیار شهری و ۲۹ کتابخانه سیار روستایی دارد. ۳ کتابخانه سیار از این ۲۹ کتابخانه با همکاری سازمانهای دیگر ایجاد شده است.

... کتابداری هنری انسانی‌ست، نه علمی‌مکانیکی، کتابداری، حرفه‌ای سخت و اصولی است و به کار مطالعه‌ی فشرده‌ای در این زمینه نیاز دارد. کتابداری باید با نظم و انضباطی مداوم همراه باشد یا یادگیری و آموختن در تمام طول زندگی باید مورد نظر باشد... کتابداری باید پیشه‌ای باشد که خدمتگزاران آن خود و زندگی خود را وقف آن کنند و در این راه، حتی